

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠

نماز و روزہ

راہی بہ سوی معبود

حجة الاسلام والمسلمين
حاج شيخ محسن سعيدان

سرشناسه: سعیدیان، محسن، ۱۳۲۳
عنوان و نام پدیدآور: نماز و روزه راهی به سوی معبود
محسن سعیدیان.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر،
۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.
شابک: 3 - 461 - 539 - 964 - 978 - ISBN
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
موضوع: نماز، روزه (اسلام)، احادیث شیعه، قرن ۱۴.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ن ۸ / ۷۲ س / ۱۸۶ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۵۸۷۸۸



شابک ۳-۴۶۱-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸-3-461-539-964-978-ISBN

نماز و روزه راهی به سوی معبود

مؤلف: حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن سعیدیان

ویراستار: شیخ مسعود حاجی ابراهیمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

صفحه آرای: شبیر

نوبت چاپ: سوم / ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ: زنیق

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ - تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۴ خط)

مشهد - چهار راه شهداء، اول خیابان آزادی، کتابفروشی نور مهدی، تلفن ۲۲۵۶۵۷۰ - ۵۱۱

شماره تماس مؤلف: ۰۹۱۵۹۰۳۵۰۳۴

فهرست مطالب

مقدمه گنجینه اخلاق و معارف اسلامی ۹

مقدمه ۱۳

نماز

مقدمه ۱۷

حق نماز ۲۲

کیفیت نماز ۲۶

اسباب و علل ایجاد حضور قلب ۲۸

آداب و ارکان نماز ۳۸

اذان و اقامه ۳۹

قیام ۴۰

تیت ۴۳

تکبیرة الاحرام ۴۵

قرائت ۴۶

سوره ۴۷

رکوع ۵۰



۶ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

۵۲	سجده
۶۰	قنوت
۶۲	تشهد و سلام
۶۳	وقت نماز
۶۷	اثرات نماز
۶۷	۱- بازداری از زشتی‌ها
۷۰	۲- خاموشی آتش دوزخ
۷۱	۳- ریزش گناهان
۷۱	۴- روی آوردن خوبی‌ها
۷۲	۵- طهارت از آلودگی‌ها
۷۵	ترک نماز یا سستی در آن
۸۱	مساجد و نماز در آن
۹۱	همسایگان مسجد
۹۱	شکایت مسجد
۹۲	ثمرات رفتن به مسجد
۹۴	ثواب مساجد
۹۶	مسجد زنان
۹۷	نماز جمعه
۹۹	اهمیت نماز جمعه
۱۰۰	عقاب ترک نماز جمعه
۱۰۲	نماز جماعت
۱۰۳	ثواب جماعت
۱۰۵	امام جماعت
۱۰۶	مستحبات نماز
۱۱۱	نمازهای مستحبی



فهرست مطالب * ۷

نماز شب ۱۱۱

علل محرومیت از نماز شب ۱۱۶

نوافل یومیّه ۱۱۸

روزه

مقدمه ۱۲۵

فضیلت ماه مبارک رمضان ۱۲۷

فضیلت روزه ۱۳۲

روزه‌های مستحبّ ۱۳۴

اثرات روزه ۱۴۰

آداب روزه‌داران ۱۴۲

وداع با ماه رمضان ۱۴۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه گنجینه اخلاق و معارف اسلامی

خدا را از این نعمت بزرگ که به من ارزانی داشت تا بتوانم صفحاتی چند در مورد اخلاق و معارف اسلامی بنویسم، سپاسگزارم.

اگر چه در این زمینه، کتاب‌های فراوانی نوشته شده ولی به نظر می‌رسد به این سبک و سیاق، با قلمی روان و قابل دسترس همگان به زبان فارسی، کمتر کتابی نوشته شده باشد و لذا جای آن را خالی دیدم و به حوصله الهی به جمع‌آوری آن اقدام کردم.

این مجموعه دارای ویژگی‌هایی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- سعی شده مطالب کتاب به بخش‌های کوچکی تقسیم شود تا هر کدام با عنوان خاص از یکدیگر متمایز گردد.
- ۲- استخوان‌بندی مطالب، عمدتاً از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام اخذ شده و سپس با داستان‌های مفید



۱۰ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

و اشعار مناسب زیور گرفته است.

۳- نوشته‌ها غالباً از کتب مرجع و متون اصیل اخذ شده تا از اتقان بیشتری برخوردار باشد.

۴- مطالب این مجموعه مخصوصاً روایات آن منتخب از ده‌ها روایت مشابه و حاصل تلاش فراوان است به طوری که گاهی یک صفحه، چکیده مطالعه ده‌ها صفحه از کتاب‌های گوناگون است.

۵- امانت در ترجمه، ما را بر آن داشت تا از شیوایی بعضی از جملات بکاهیم و حفظ آثار باقیه الهی را بر آن مقدم داریم.

۶- مطالب گرچه از کتب مختلف است ولی سعی شده حتی الامکان از کتاب‌های ارزشمند «بحار الأنوار» و «نهج البلاغه صبحی صالح» نشانی داده شود تا برای مراجعه، به کتاب‌های زیادی احتیاج نباشد.

۷- مخاطبین این کتاب افراد خاصی نیستند بلکه مطالب آن برای عالم و عامی، زن و مرد، پیر و جوان مفید است.

۸- این مجموعه به لحاظ تنظیم و دسته‌بندی‌های خاصی که دارد کاملاً متناسب و آماده برای برادران محترم مبلغ در ایام تبلیغی است.

۹- از تطویل کلام و لفاظی و جمله‌پردازی‌های تزینی تا حد زیادی پرهیز شده تا اصل مطالب به سهولت به دست آید.



۱۰- حتّی المقدور از تمایل به گروه‌گرایی دوری شده و سخنی از آنها به میان نیامده است.

۱۱- این مجموعه متناسب با کلاس‌های درس «اخلاق و معارف اسلامی» تنظیم شده و با انتخاب مناسب، می‌تواند متن کتاب درسی قرار گیرد. البتّه طبیعی است کتابی به این حجم نمی‌تواند برای همه گروه‌های سنّی مناسب باشد لذا هر عنوانی به تناسب سنّ، جنسیت و یا به لحاظ پایه معلومات باید انتخاب گردد.

۱۲- مطالب این کتاب نیز به صورت کتاب‌های کوچکی که شامل یک عنوان، یا دو و سه عنوان نزدیک به هم است به چاپ رسیده تا هر چه آسان‌تر در دسترس خوانندگان عزیز قرار گیرد.

شیخ محسن سعیدیان
محرم الحرام ۱۴۲۳ هجری قمری



مقدمه

کتابی که اینک پیش روی شماست قسمتی از مجموعه «گنجینه اخلاق و معارف» است^۱ که به طور جداگانه چاپ و منتشر گردیده تا با مطالعه آن با معارف اسلام آشنا تر شویم و در عمل به دستورات الهی کوشا تر گردیم.

مجموعه «گنجینه اخلاق و معارف» پس از یک مقدمه در مورد اخلاق و اهمیت آن، مسافری را تصویر می کند که از خواب غفلت بیدار شده و قصد سفر «الی الله» دارد. پس در سفر خود به مراحل می رسد و آنها را یکی پس از دیگری پشت سر می گذارد که آنها اجمالاً عبارتند از:

مرحله اول: توبه و پاکسازی باطن.

مرحله دوم: ترک محرّمات و سپس ترک مکروهات.

مرحله سوم: انجام واجبات و سپس انجام مستحبات.

۱. مرحله سوم: انجام واجبات.



۱۴ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

مرحله چهارم: اخلاص.

مرحله پنجم: رفع آفات و دفع موانع.

مرحله ششم: مکارم اخلاق.

مرحله هفتم: آداب اسلامی.

مرحله هشتم: کمال.

امید است پس از مطالعه این کتاب، قسمت‌های دیگر
«گنجینه اخلاق و معارف اسلامی» را نیز مورد مطالعه قرار
دهید.

این کتاب دارای دو بخش است که به جهت تناسب
مطالب آن، کنار هم به چاپ رسیده است:
بخش اول: نماز، از صفحه ۱۵ تا ۱۱۲
بخش دوم: روزه، از صفحه ۱۱۳ تا ۱۴۴



توجه: کلیه قسمت‌های مربوط به نهج البلاغه را از «نهج البلاغه دکتر
صبحی صالح» نشانی داده‌ایم تا دسترسی به آن برای خوانندگان
محترم آسان‌تر باشد.

نماز

نماز

مقدمه

خداوند عزوجل در سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۳۱ می فرماید:

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾

«ای پیامبر به مؤمنین بگو نماز را بیای دارند.»

و نیز در سوره نساء (۴) آیه ۱۰۳ می فرماید:

﴿فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ إِنَّا الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾

«پس نماز را بیای دارید زیرا نماز بر مؤمنین در اوقات

معینی واجب شده است.»

و نیز در سوره طه (۲۰) آیه ۱۴ به حضرت موسی علیه

السلام می فرماید:



﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ

لِدِكْرِي﴾

«منم خدایی که جز من خدائی نیست پس مرا پرستش

کن و نماز را به یاد من بر پای دار.»

شکّی نیست که نماز از مهمترین ارکان دین اسلام است و

در میان واجبات الهی جایگاه خاصی دارد.

لذا در تاریخ صدر اسلام آمده است که گروهی از طایفه

ثقیف نزد رسول خدا آمدند و گفتند: ما با تو به سه شرط

بیعت می‌کنیم، یکی آن که نماز نخوانیم، دیگر آن که بت‌های

خود را به دست خودمان نشکنیم، و سوم آن که تا یک سال از

بت «لات» بهره‌مند باشیم.

حضرت فرمود:

«أَمَا أَنْ كَهْ كَفْتِيدَ نَمَازِ نَخْوَانِيد - لَا خَيْرَ فِي دِينِ لَيْسَ

فِيهِ رُكُوعٌ وَ سُجُودٌ، دِينِي كَهْ دَرِ أَنْ نَمَازِ نَبَاشِدْ خَيْرِي

نَدَارِدْ، أَمَا بَتَّهَا رَا اِغْرَ بَهْ دَسْتِ خَوْذِ نَمِي شَكْنِيدْ، اَشْكَالِي

نَدَارِدْ - مَا أَنَّهُا رَا خَرْدِ مِي كَنِيمِ - وَ أَمَا بَهْرَهْ گِيرِي اَز

«لات» هَمِ مَقْدُورِ نَيْسَتْ...»^۱

در روایت دیگری هم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ

سَلَّمَ فرمود:

«الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ



هَدَمَ دِينَهُ»^۱

«نماز ستون دین است پس هر کس نمازش را عمداً ترک کند دینش را ویران کرده است.»

و نیز آن حضرت فرمود:

«نمازهای خود را حفظ کنید که خداوند تبارک و تعالی اولین چیزی که از بنده‌اش در روز قیامت می‌پرسد نماز است. پس اگر نمازش کامل بود نجات می‌یابد و الا به آتش می‌افتد.»^۲

و در روایت است وقتی که این آیه نازل شد:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾^۳

«و کسان خود را به نماز فرمان ده و بر آن شکیبا باش.»

رسول خدا به مدت شش ماه در وقت همه نمازها به در خانه فاطمه علیها سلام می‌آمد و می‌فرمود:

﴿الصَّلَاةُ! يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ﴾

«برخیزید برای نماز! خداوند شما را رحمت کند.»^۴

خداوند عزوجل در سوره بقره (۲) آیه ۴۵ می‌فرماید:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى

الْخَاشِعِينَ﴾

۱. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲

۲. همان.

۳. سوره طه (۲۰)، آیه ۱۳۲

۴. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۹۶



۲۰ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

«یاری جوئید از صبر و نماز، و براستی نماز سنگین و
گران است مگر بر فروتنان.»

در روایت است که هرگاه امر مهمی بر رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم وارد می شد و حضرت را غمگین
می کرد آن حضرت به نماز پناه می برد و لذا وقتی خبر فوت
برادر خود «قثم» را شنید فرمود:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱

و سپس در کناری رفت و دو رکعت نماز گزارد و آن را
طول داد پس فرمود:

﴿اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾^۲

از صبر (روزه) و از نماز گمک بگیرید! بله، قطره
وجودت را به دریای احدیت متصل کن تا در دامنش آرام
بگیری و از تنگی و شدت رها شده به بینهایت بییونی.
امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای به محمد بن ابی بکر
نوشتند:

«مراقب وقت نماز باش... پس رکوع و سجودت را
مواظبت کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
نماز خود را از همه مردم تمام تر و آسان تر می خواند.»

﴿وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ، فَمَنْ



۱. سوره بقره (۲)، آیه ۱۵۶

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۹۲

ضَيِّعَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهُ لِعَمَلِهَا أَضْيَعُ.»

«و بدان تمام اعمال تو تابع نماز توست، که اگر نمازت درست و صحیح شود همه کارهایت صحیح می‌گردد؛ پس هر کس نماز خود را که به این درجه از اهمیت است ضایع و تباه کند پس غیر نماز را ضایع‌تر و خراب‌تر می‌سازد.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ، فَإِذَا قُبِلَتْ قَبِلَ

سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ.»^۲

«اول چیزی که از هر کس سؤال می‌شود نماز اوست، پس اگر مورد قبول افتاد سائر اعمالش هم قبول می‌شود و اگر ردّ شد، کارهای دیگرش هم مردود است.»



۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۴

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۶

حقّ نماز

تمام دستورات الهی بر ما حقّی دارند که اگر آنها را کامل و صحیح انجام دهیم حقّ آنها را ادا کرده ایم و الاّ حقّ آنها ضایع شده مورد نفرت و نفرین آنها واقع می شویم. برای نمونه به حقّ نماز توجه کنید.

امام سجّاد علیه السّلام در رساله حقوق می فرمایند:

«اما حقّ نماز بر تو این است که بدانی نماز، دیداری است با خداوند تا سخن خود را با او در میان بگذاری و بدانی که هنگام نماز در پیشگاه عظمت او ایستاده و حضور داری پس چون به این امر توجه کردی سزاوار است که در برابر او به حال ذلّت و مسکنت با ترس و بیم توأم با امید و رجاء بایستی و با آرامش و سکون، چشم ادب به پائین اندازی و اعضاء خود را به خشوع درآوری و قلبت را با کمال نرمی متوجه او ساخته به مناجات با او بپردازی و نجات خود را از گناهایی که تو را فرا گرفته و جان تو را



مشرف بر هلاک قرار داده‌اند طلب کنی و برای حسن انجام تکالیف جز خدا پناهگاهی نیست.»^۱

ملاحظه می‌کنید که این دستور کوتاه و جامع حاوی نکات ظریف و پرمعنایی است که اگر به آنها توجه کنیم نمازمان سرشار از عشق و محبت خدا شده با دو بال بیم و امید به درگاهش پر می‌کشیم و در دامن پر مهرش نشسته دل و جان را یک جا به او می‌سپاریم و در غیر این صورت نماز ما جز نقشی بی جان و حرکاتی بی ثمر نخواهد بود.

آری، اولیاء خدا نماز را یک بزم عشق می‌دانند و همیشه در انتظار رسیدن وقت آن لحظه شماری می‌کنند و با بانگ اذان سر از پانشناخته به سویش می‌شتابند و لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام رسیدن وقت نماز می‌فرماید:

«أرحنا یا بلال»^۲

یعنی ای بلال اذان بگو تا ما به نجوای یار بنشینیم و راز دل با او آغاز کنیم.

ابوذر روایت زیبایی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند و می‌گوید:
آن حضرت فرمود:

«ای اباذر!

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۲

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳



خداوند نور چشم من و روشنی دل مرا در نماز قرار داده است و آن را مورد محبت و اشتیاق من کرده همچنان که شخص گرسنه اشتیاق به غذا دارد یا شخص تشنه مشتاق آب است، اما گرسنه هنگامی که غذا خورد سیر می‌شود و تشنه از نوشیدن آب سیراب می‌گردد و **أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ** اما من از نماز سیر نمی‌شوم»^۱

بله، اگر ما هم حق نماز را ادا کنیم و آن را به شایستگی برپا داریم، عاشق نماز شده و از آن لذت خواهیم برد.

یکی از دوستان قدیمی می‌گفت: هنگامی که می‌خواستم ازدواج کنم، پدرم برای تهیه شام عروسی به من فرمود:

برو و یک همیزم شکن بیاور، من رفتم و پیرمردی را آوردم، پدرم گفت: او که پیر است!! چرا او را آوردی؟ او نمی‌تواند این کنده‌های سخت را بشکند، ولی به هر حال حالا که آورده‌ای، اشکال ندارد.

پیرمرد آستین‌های خود را بالا زد و تبر خود را تیز کرد و افتاد به جان آن کنده‌ها، دیدیم عجب! بر خلاف تصور ما، بسیار خوب و قدرتمند، کنده‌های محکم را از هم می‌شکند!! پدرم گفت برو برای او چای آماده کن، خودش هم چپقی چاق کرد و به دست پیرمرد داد، پیرمرد گفت: ببخشید من اهل دود نیستم. من چای را حاضر کردم و آوردم، پیرمرد گفت: معذرت می‌خواهم من چای هم نمی‌خورم، متشکرم. پدرم تعجب کرد و گفت: پیرمرد! پس خستگی‌ات را



چگونه برطرف می‌کنی؟!

هیزم‌شکن پیر گفت: وقتی خیلی خسته می‌شوم، «میروم وضو می‌گیرم و دو رکعت نماز می‌خوانم، تمام خستگی‌ام برطرف می‌شود.»

راستی که نماز چه لذّت بخش است!! چه اینکه نماز، اُنس با خداست، اُنس و گفتگوی یک بنده ناچیز با مولائی بلندمرتبه و جلیل.

اگر در قصری مجلّل، همه لذّت‌ها برای ما فراهم باشد اما تک و تنها باشیم، انیس و مونس نباشد تا با او هم‌زبان شویم، هیچ لذّتی نخواهیم برد، و آن قصر برای ما زندانی بیش نخواهد بود چه اینکه بالاترین لذّت‌ها، لذّت اُنس است.

نماز، اُنس با محبوب دل‌ها و معشوق جان‌هاست، آن هم مونس‌ی که اشتیاقش به گفتگوی ما به مراتب بیش از ماست، پس اگر از نماز لذّت ببریم دیگر، چیزی برای ما لذّت نخواهد داشت لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«الرَّكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا.»^۱

«دو رکعت نماز در دل شب، محبوب‌تر است نزد من از دنیا و آنچه در آن است.»

پروردگارا! توفیق اُنس و محبت خودت را به ما هم عنایت فرما.



کیفیت نماز

خداوند عزّوجلّ در سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۹ می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾

«مؤمنین کسانی هستند که بر نمازهایشان مواظبت دارند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصیت خود به

أبوذر فرمود:

«ای ابادر! دو رکعت نماز مختصر که با تفکر و توجه

انجام گیرد بهتر است از نماز اول شب تا به صبح که

بی‌توجه خوانده شود.»^۱

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«به خدا قسم پنجاه سال بر کسی می‌گذرد و یک نماز او

پذیرفته نمی‌شود پس چه چیزی از این شدیدتر

است؟!»^۲



۱. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۴۹

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۶۱

و در روایت دیگر فرمود:

«چه بسا کسی نماز می‌گذارد و نصف آن یا ثلث و ربع و
خمس آن بالا می‌رود و قبول می‌گردد.»^۱

یکی از بزرگان می‌فرماید: آیا اگر عهد کردی با کسی
سخنی بگویی، پس او را در خواب دیدی و با او حرف زدی،
آیا به عهد خود وفا کرده‌ای؟ نه!

و نیز اگر با او در اطاق تاریکی بودی و از حضور او خبر
نداشتی و همان کلمات را گفتی آیا انجام وظیفه کرده‌ای؟ نه!
چرا؟! زیرا تا زمانی که او در قلبت حضور نیابد سخنان تو
خطاب به او محسوب نمی‌گردد.

پس اگر بی توجه نماز خواندی، با خدا سخن نگفته‌ای و
آن نماز بکلی از مقصود شارع به دور است. همچنین اگر
رکوع و سجود تو فقط حرکاتی بی روح و بی معنا باشد در
واقع تعظیم و تکریم خدا را نکرده‌ای و قطعاً این همه
عظمت و اهمیتی که نماز دارد برای اعمال ظاهری آن نیست
بلکه برای مناجات و دلدادگی به خداست. بنابراین باید در
ادای کلمات و انجام حرکات نماز صادق بود و کوشید تا نماز
را با توجه کامل بجای آورد و در این امر حداقل شش مطلب
لازم است:

اول: «حضور قلب» و آن فارغ کردن قلب است از غیر
خداوند بطوری که تنها به او توجه کند و خود را در مقابل



حضرتش ببیند که اگر او را نبیند خدا او را می بیند.
دوم: «تفهّم» و آن توجه ضمنی به مفاهیم کلمات است تا سخن گفتن با محبوب، تامّ و تمام باشد.
سوم: «تعظیم» و آن بزرگ دانستن حضرت ربّ العزّه است که هر چه او را بزرگتر بدانند خود را کوچکتر می یابد.
چهارم: «هیبت» و آن اضطراب و ترسی است که از عظمت خداوند در دل نمازگزار ایجاد می گردد.
پنجم: «رجاء» و آن امید به رحمت خداوند است.
ششم: «حیاء» و آن حالتی است که به علّت در نظر گرفتن گناه و نیز تقصیر در عبودیت حاصل می شود.

اسباب و علل ایجاد حضور قلب

شما اگر صندوق سیبی داشته باشید و بخواهید مقداری از آن را برای سفری که در پیش دارید کنار بگذارید، آیا سیب های کال و لک زده را کنار می گذارید یا رسیده و سالم را؟ هر عاقلی می گوید رسیده و سالم را.
حالا باید دید این نمازی که ما امروز خواندیم کی و کجا آنرا ملاقات خواهیم کرد؟ اگر واقعاً آن را در قبر و قیامت تحویل ما می دهند چه بهتر که نمازی رسیده و سالم و تامّ و تمام باشد نه ناقص و لک زده و بی روح!!
پس ای عزیز! بکوش تا نمازت با حضور قلب و پاکیزه و کامل باشد که همین فکر که این نماز را برای سفر آخرت



خود ذخیره می‌کنی، تو را به حضور بیشتر ترغیب می‌کند و به نمازت جان می‌دهد و بدان مهمترین علت اصلی ایجاد حضور قلب «همّت» است زیرا توجه قلب جلب نمی‌شود مگر به آنچه انسان به آن همّت کند پس آنان که به فکر این مسأله نیفتاده‌اند و طبق عادت چندین ساله خود نماز می‌خوانند نباید انتظار حضور قلب داشته باشند مگر روزی که اولاً: بفهمند نماز بدون حضور قلب درختی است بدون ریشه و میوه‌ای است بی‌مغز، ثانیاً: برای جلب این توجه قدم بردارند و خود را به آن وادارند.

پس با دلی سوزان و چشمی پر امید، خود را در برابر حضرتش احساس کرده با او به عشق و محبت سخن گویند که خودش فرمود من به دوستانم آگاهم، آنان... با من آنچه‌ان سخن می‌گویند که گویی در حضور من اند و مرا می‌بینند.^۱

با یاد روی او نفس آتشین خوش است

هرکس که لاف مهر زند اینچنین خوش است

در روایت است که مردی دو ناقه شتر بزرگ و فربه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هدیه آورد حضرت رو به اصحاب کرده فرمودند: آیا در بین شما کسی هست که دو رکعت نماز بگزارد و وضو و قیام و رکوع و سجود و خشوع آنرا انجام دهد بدون اینکه هیچگونه نظری به امور دنیا داشته باشد یا فکر و قلبش متوجه دنیا شود، اگر کسی چنین کند من



یکی از این دو ناقه را به او هدیه می‌کنم.
رسول خدا این سخن را تا سه بار تکرار کردند ولی کسی مرد
این میدان نبود!!

در این حال بدر منیر ولایت، شاهباز طاعت و عبادت،
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام برخاست و
عرضه داشت «یا رسول الله من همانم که فرمودی، دو رکعت
نماز می‌گزارم که از تکبیرش تا تسلیم، نفس خود را به هیچ
امری از امور دنیا مشغول نکنم».

رسول خدا فرمود: «علی جان بخوان که درود خدا بر تو باد»
پس امیر مؤمنان تکبیر گفت و داخل نماز شد، رسول خدا و
همه اصحاب نگاه می‌کنند و منتظرند - نماز تمام شد که یک
مرتبه جبرئیل فرود آمد و عرض کرد یا محمد! (صلی الله
علیه و آله و سلم) پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید
یکی از آن دو ناقه را که قرار بود، به علی علیه السّلام عطا
کن!! اما رسول خدا - که خود خریط فنّ است و می‌خواهد
علی علیه السّلام را به مردم بشناساند - فرمود من شرط کردم
در این دو رکعت هیچ امری از دنیا را با خود حدیث نفس
نکنند و به آن نیندیشد ولی علی علیه السّلام در تشهّد خود به
این فکر افتاد که کدامیک از این دو ناقه را بگیرد. جبرئیل
دوباره از جانب ربّ العزّه پیام آورد که یا محمد! (صلی الله
علیه و آله و سلم) خداوند تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید:
«اما علی علیه السّلام فکر کرد کدامیک از آنها فربه‌تر است تا
آن را بگیرد و نحر کند و در راه خدای تعالی صدقه دهد پس



تفکر او برای خدا بود نه برای خودش و نه برای دنیا». در این حال رسول خدا به گریه افتاد و هر دو ناقه را به امیرالمؤمنین عطا فرمود و آن حضرت هم هر دو را نحر کرد و در راه خدا تصدق نمود. پس این آیه نازل شد:

«إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ»^۱

قطعاً در این عبرتی است برای هر صاحب‌دلی که گوش فرا دهد و گواه باشد.^۲

أبو حمزه ثمالی می‌گوید: حضرت علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که در حال نماز بود و عبا از دوش مبارکش افتاد ولی به آن توجهی نکرد، پس بعد از نماز علت آن را پرسیدم که چرا عبا را مرتب نکر دیدی؟! حضرت فرمود:

«ای وای! من در مقابل چه کسی بودم؟! نماز هیچ کس قبول نمی‌شود مگر آن مقدار که قلبش توجه داشته باشد.»^۳

یکی از بزرگان می‌فرمود:
نماز جزئی از زندگی روزمره است و اگر کسی از صبح تا شب وجهه قلبش رو به دنیا باشد و تمام حواسش در جمع

۱. سوره ق (۵۰) آیه ۳۷

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۶۱

۳. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۳۷



مال و یا امور شهوانی چرخ بزند و به چیزی جز کسب و کار و عیش و عشرت نیندیشد چنین شخصی قهراً در نماز هم به همین فکرهاست و نمی تواند خود را از آنها خالی کند، اما کسی که فکر و ذکرش خدا باشد و در طول اشتغالات روزمره از درس خواندن یا کاسبی هیچگاه از یاد او غافل نگردد، در هر چه می خرد و هر چه می فروشد و هر برنامه ای که دارد خدا را در نظر بگیرد، طبعاً وقتی ظهر شد اولاً به راحتی دست از کسب و کار و مشتری و منافع برداشته به طرف مسجد و نماز می رود و ثانیاً در نماز هم همان فکر خود را که «خدا حاضر است»، «خدا مرا می بیند»، «برای خدا چنین کنم» دنبال می کند و حضور قلبِ مطلوبی برایش حاصل می گردد.

بنابراین ما باید سعی کنیم و جهت قلب و توجه باطن را به سوی خدا کنیم و به یاد او از بستر برخیزیم، و برای او بگوئیم و بشنویم، و به یاد و عشق او کار کنیم، و به انتظار دیدار محبوب لحظه شماری کنیم تا وقتی که ظهر یا شب شد و ندای دعوت الهی به «الله اکبر» بلندگشت سر از پانشناخته به سوی خانه دلدار بشتاییم و با شستشوی دست و صورت، وضوئی ساخته و خود را معطر کنیم، چرا که قصد دیدار یار داریم و هوای وصالش را در سر می پرورانیم. پس به نماز بایستیم و محو جمالش شویم.

یک مسلمان نماز خوان و دوستدار خدا از صبح به فکر نماز ظهر و از ظهر به فکر نماز شب است و همچون عاشقی



که محبوبه‌اش به او قول وصال داده، ساعت‌ها و لحظه‌ها را به یاد معشوق سپری می‌کند و دقایقی چند، قبل از رسیدن وقت، به میعادگاه راز و نیاز حاضر می‌گردد و در موقع مناجات با حضرت حق، دل را از هر چه جز اوست فارغ گردانده بلکه چشم از هر که هست می‌پوشاند و تنها به او می‌اندیشد و صدای او را در گوش احساس می‌کند تا جائی که اگر از او بپرسند چه گفتی و چه شنیدی؟ در جواب گوید: از مجنون فریفته‌ای که از خود بیخود شده این سؤال معنی ندارد، آنگاه که چشمم به جمال یار افتاد برق نگاهش آنچنان درخشید که خود را فراموش کردم و تنها خدا بود و خودش، که بوی گُلم چنان مست کرد که دامن از کف برفت.

من نمی‌دانم که این عشق و محبت از چه خاست

این قدر دانم که میل از جانب محبوب بود

در روایت است که امام سجّاد حضرت زین العابدین علیه السلام وقتی به نماز می‌ایستاد رنگ مبارکش تغییر می‌کرد و لرزه بر اندامش می‌افتاد و گاهی افرادی که حال حضرت را ندیده بودند می‌پرسیدند: این چه حالتی است که پیدا می‌کنید؟!

حضرت می‌فرمود:

«من خود را در پیشگاه سلطانی بزرگ می‌بینم.»

پس آن حضرت در نماز به هیچ امری مشغول نمی‌شد و صدائی را نمی‌شنید و لذا یک شب فرزندی از آن حضرت زمین خورد و دستش شکست. اهل خانه فریاد زدند و



همسایگان جمع شده شکسته‌بند آوردند و کودک را که از درد فریاد می‌زد، مداوا کردند. امام سجاد علیه السلام در این هنگامه مشغول به نماز بود و هیچ نشنید. وقتی صبح شد حضرت دید دست کودکش به گردن آویخته، جریان را پرسید گفتند: زمین خورده و دستش شکسته.

و نیز یکبار آتشی در خانه آن حضرت در گرفت و آن حضرت در سجده بود هرچه گفتند: آتش، آتش، حضرت سر از سجده برداشت تا آتش را خاموش کردند. پس از تمام شدن نماز گفتند:

چه چیزی شما را از این آتش به خود مشغول کرده بود؟!
حضرت فرمود:

«آن آتش بزرگ روز رستاخیز.»^۱

مرحوم شهید آیه الله مطهری اعلی الله مقامه وقتی خدمت یکی از بزرگان اهل سلوک و معرفت یعنی مرحوم سید هاشم حداد، رسید، آن مرد بزرگ پرسیدند:

در نماز به چه چیزی می‌اندیشی؟ مرحوم مطهری گفته بودند به معانی کلمات و حرکات و سکانات نماز توجّه می‌کنم. آن بزرگ فرموده بودند: پس کی نماز می‌خوانی؟! یعنی کی به فکر محبوبی؟

اینها مراحل اولیه است و باید از آنها گذشت و در نماز فقط به فکر خدا بود و حتی توجّه قلب را به معانی کلمات



هم معطوف نکرد همچنانکه وقتی شما با کسی سخن می‌گوئید تمام توجهتان به اوست نه به کلمات خود، گرچه آن کلمات هم همه به طور ضمنی مورد توجه شماست و آن سخنان، بی‌ربط از دهان خارج نمی‌شود.

نتیجه آنکه برای حضور قلب باید عشق خداوند در ما طلوع کند و نماز را نه یک وظیفه اجباری بلکه به عنوان دلدادگی با محبوب و نجوای با معشوق بدانیم و از آن توشه بگیریم.

البته بر ارباب معرفت مخفی نیست که این عشق و سوز هرگز با تعظیم مقام منیع حضرت بی‌مثال و هیبت آن سلطان ذوالجلال مخالفتی ندارد بلکه همیشه مؤمن باید با دو بال خوف و رجاء به طرف عالم قدس پرواز کند تا به سر منزل مقصود نائل آید یعنی همان قدر که به خداوند عاشق است و امیدوار، همان قدر خائف باشد و ترسان و نیز همانگونه که خود را در دامن پرمهرش می‌بیند از قهرش بهراسد و گرچه هر چه در دل دارد با زبان صدق و صفا می‌گوید ولی پا از دایره حیا و شرم هم فراتر نگذارد.

شخصی بود به او می‌گفتند مهدی مجنون، یکبار در مسجد نماز می‌خواند، اتفاقاً رفیق کناری اش شخص چوب فروشی بود و در نماز به فکر افتاد که برود از فلان شخص چوب بخرد ولی پول نداشت، پیش خود گفت: می‌روم چوب می‌خرم و به او چک می‌دهم، این شخص چوب فروش ضمناً به نماز خواندن مهدی مجنون هم نگاه می‌کرد



که رکوع و سجودش را درست انجام نمی دهد لذا بعد از نماز به او رو کرد و گفت: آقا مهدی! این چه نمازی است می خوانی؟! حواست را جمع کن! درست نماز بخوان! مهدی مجنون هم با بی اعتنائی برای خواندن نماز دیگر بلند شد و گفت: من در نماز چک نمی دهم، «الله اکبر».

چوب فروش حساب کار خود را کرد و فهمید مهدی مجنون فکر او را در نمازش فهمیده و این خود اوست که در نماز به فکر خرید و فروش چوب است و از یاد و توجه به خدا غافل شده.

بله، کسی که حبّ دنیا فکرش را اشغال و ذهنش را پر کرده هرگز نمی تواند خود را از فکر آن رهایی بخشد. لذا در بعضی از کتب اخلاقی چنین آمده، انسانی که مشغولیت فکری اش زخارف دنیاست و گردونه خاطراتش دائماً بدور آن چرخ می زند وقتی به نماز می ایستد نمی تواند حضور قلب پیدا کند و مثل او مثل کسی است که در زیر درختی نشسته و می خواهد فکرش را نسبت به امری بکار بگیرد، هنوز دقایقی نگذشته که گنجشک ها می آیند و روی درخت می نشینند و سر و صدای خود را بلند می کنند او هم چوبی برداشته آنها را پراکنده می کند اما پس از لحظاتی دوباره گنجشک ها جمع می شوند و با صداهای خود حواس او را پرت می کنند، باید به او گفت: تا این درخت هست صدای گنجشک ها هم هست اگر می خواهی از آنها خلاصی یابی باید درخت را از جا درآوری پس نماز گزار تا درخت



تمایلات نفسانی و شهوات دنیایی را از زمین دل خود ریشه کن نکنند، جمعیت خاطر نیابد و به حضور قلب نرسد و لذت مناجات نچشد؛ و البته باید در این راه مجاهده و تلاش کرد و در کم کردن اسباب مشغول کننده قلب کوشید.

پس ای عزیز نماز گزار! در جایی که رفت و آمد است یا شلوغ و پرسر و صداست نماز مخوان، روی فرش‌های پرنقش و نگار، مخصوصاً عکس‌های پرنده و ذیروح، یا جلوی تابلوهای مهیج و نامناسب مباش.

برای خود بلافاصله بعد از نماز قرار ملاقات یا کاری که موجب دلواپسی و نگرانی است مگذار، لباس تنگ و نامناسب مپوش، سرما و گرمای زیاد یا گرسنگی و تشنگی، تو را آزار ندهد، تند و با عجله نماز نخوان.

با حال کسالت و خواب‌آلودگی، یا بی‌حوصلگی و عصبانیت به سراغ نماز مرو، دست و پا و انگشتان را تکان مده، به این طرف و آن طرف نگاه مکن، و به صداها اطراف گوش مده، هرگز جلوی جعبه‌های شیطانی و فیلم‌های جاذب برای نماز نایست.

حضور دل نتوان یافت در لباس حریر

کس از فتیله ابریشمین چراغ نسوخت

به امید آن روز که سراسر نماز ما حضور در خلوت محبوب گردد و گفته‌هایمان نجوای با یار شود.



آداب و ارکان نماز

بزرگان فرموده‌اند:

در هر عملی از نماز که انجام می‌دهی باطن آن را در نظر بگیر و توجهی مناسب با آن داشته باش.

پس چون صدای اذان را شنیدی، مؤذن را فرستاده پروردگار خود بدان که تو را برای مهمانی‌اش دعوت می‌کند، اما آن کس که دعوت الهی را نشنیده بگیرد و به نداگر توحید پشت کند چه انتظاری دارد که وقتی کارش تمام شد و به سوی نماز رو کرد، خداوند هم بر او پشت نکند و نمازش را به هیچ نگیرد؟!؟

بله او کریم است و رحیم و غفور اما وظیفه ما چیست؟ خدا بخواند و ما پشت کنیم؟! نه، بلکه لبیک گویان دست از هر کاری که داری باز دار و به سوی خانه خدا بشتاب و غبار و کدورت دنیا را با مستی آب از خود دور کن و وضو بساز و آماده سخن با خدا شو.



عایشه می گوید:

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - که با ما نشست
بود و سخن می گفت و ما با او سخن می گفتیم، چون وقت نماز
می رسید گوئی ابدأ ما را نمی شناسد و ما او را نمی شناسیم.^۱ یعنی
فوراً برای امتثال امر الهی خود را برای نماز آماده می کرد.

أمیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که وقت نماز می رسید
اندام مبارکش به لرزه می افتاد و رنگش دگرگون می شد، به آن
حضرت می گفتند: این چه حالی است دارید؟ حضرت
می فرمود:

«وقت امانت الهی فرا رسیده، و آن امانتی است که
آسمانها و زمین از قبول آن سرباز زدند و انسان آن را
به دوش کشید و من نمی دانم آیا این امانت را درست ادا
می کنم یا نه؟!»^۲

اذان و اقامه

برادر و خواهر نمازگزار! قبل از شروع نماز تنها یک
دقیقه در سجادهات بنشین و با توجه به عظمت خدای بزرگ
و حضور او، خود را برای نماز آماده کن پس اذان بگو و بعد
از آن با توجه بیشتر اقامه بگو که مقدمه ای باشد برای آمادگی
بهتر.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۴۸



۴۰ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اذان و اقامه بگوید و نماز گزارد دو صف از ملائکه پشت او به نماز می ایستند و اما اگر فقط اقامه بگوید یک صف خواهند ایستاد.^۱

قیام

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«پدرم امام سجّاد علیه السلام وقتی به نماز می ایستاد رنگ چهره اش عوض می شد و همچون بنده ذلیلی در پیشگاه پادشاهی جلیل، اندامش به لرزه می افتاد و نمازش نماز وداع بود که گوئی آخرین نماز اوست.»^۲

پس چون به نماز ایستادی و بدن را رو به قبله کردی، وجهه قلب را هم متوجه کعبه حقیقی گردان و دل به سوی حضرت محبوب کن، امیدت را از هر کس و هر چیز قطع نما و خود را در محضر خدای بزرگ ببین و به یاد آن روز باش که در مقابلش ایستاده ای و از کوچک و بزرگ اعمال باز جوئی می شوی.

امام صادق از امیرالمؤمنین علیهما السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«هیچ کس نباید با حالت کسالت و یا خواب آلودگی به نماز بایستد و بایستی در نماز به فکر خود باشد که او در



۱. بحار الأنوار، ج ۸۴ ص ۱۵۹

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴ ص ۲۵۰

پیشگاه خداوند عزوجل است، و برای بنده همان مقدار از نماز مورد قبول است که قلبش متوجه خداوند بوده است.»^۱

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس قلبش در نماز خاشع و متوجه باشد اعضاء و جوارح او هم خاضع می‌گردد.»^۲

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانشان

روایت کرده‌اند که:

«أبوذر یکی از بهترین صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. یک روز آمد خدمت آن حضرت و گفت: یا رسول الله! من گله‌ای دارم که نزدیک شصت گوسفند در آن است و دوست ندارم آنها را به چرا ببرم زیرا از خدمت شما محروم می‌گردم و به کسی هم نمی‌خواهم بسپارم، چه کنم؟

حضرت فرمود:

نه برو و آنها را به چرا ببر.

أبوذر گوسفندان خود را به بیابان برد و روز هفتم برگشت. رسول خدا فرمود:

ای آبادر! با گوسفندان چه کردی؟

گفت: یا رسول الله! قصه عجیبی برای آنها اتفاق افتاد.

حضرت فرمود: چه بود؟ أبوذر گفت:

۱. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۳۹

۲. همان.



من مشغول نماز بودم دیدم گرگی آمد و به گله من حمله کرد، گفتم: خدایا! نماز یا گوسفندانم؟ - یعنی چه کنم، نماز را رها کنم یا گوسفندانم را؟- پس نماز را بر آنها ترجیح دادم. در این حال شیطان در خاطر من حاضر شد و گفت: ای آبادر! تو مشغول نمازی و گرگها همه گوسفندان را پاره می‌کنند و چیزی که با آن زندگی کنی برای تو باقی نمی‌گذارند. پیش خود به شیطان گفتم: اگر گوسفندانم از بین بروند توحید خدای تعالی و ایمان به رسول و محبت برادرش علی بن ابی طالب و ائمه طاهرين و دشمنی دشمنانشان سرمایه من است پس هر چه از مال دنیا از دست من برود سهل و آسان است. پس دل خود بر نماز محکم کردم و دیدم گرگ آمد و گوسفندی به دهان گرفت و بُرد. در این هنگام شیری ظاهر شد و بر گرگ حمله برد و او را دو نیم کرد و گوسفند را نجات داد و به گله برگرداند، پس صدا برآورد که:

ای آبادر! متوجه نماز خود باش که خداوند مرا به پاسبانی و حفظ گوسفندان تو موکل فرموده است...»
رسول خدا فرمود:

«ای آبادر! تو طاعت خدا را نیکو انجام داده‌ای خداوند هم آن را مستخر تو گردانید، پس تو از بهترین کسانی هستی که خدای عزوجل آنها را به «اقامه نماز» مدح فرموده است.»^۱



نیت

پس چون آماده نماز شدی عظمت خدای بزرگ و کوچکی خود را در نظر بگیر و بگو:

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱

«هر آینه من متوجه کردم صورت خود را به سوی آن کس که آسمان‌ها و زمین را آفرید، توجهی از روی اخلاص و تسلیم، و من از مشرکان نیستم.»

و نیز بگو آنچه را که خداوند به پیامبرش فرمود:

﴿قُلْ إِنْ صَلَّوْتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾^۲

«بگو: البته نماز و عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا، پروردگار جهانیان است * او را شریکی نیست و من بر این مسأله دستور گرفته‌ام و من نخستین مسلمانم.»

پس نیت خود را خالص گردان و بگو: خدایا من در این نماز گرچه امید ثواب دارم و در ترکش از تو می‌ترسم ولی در عین حال اگر نه امیدی بود و نه ترسی، باز هم به سوی تو می‌آمدم و تو را عبادت می‌کردم، زیرا مولا یم امیرالمؤمنین و

۱. سوره انعام (۶)، آیه ۷۹

۲. سوره انعام (۶)، آیه ۱۶۲ و ۱۶۳



امام الموحّدين عليه السّلام اين راه را براي من باز كرد كه عرضه داشت:

«إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَلَا طَمَعًا فِي ثَوَابِكَ، وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ.»^۱

«ای معبود من! من تو را برای ترس از عقابت و طمع به پاداشت عبادت نمی‌کنم بلکه تو را اهل و سزاوار برای عبادت یافته‌ام پس به این جهت تو را می‌پرستم.»

و نیز آن حضرت فرمود:

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.»^۲

«گروهی خدا را به جهت میل به نعمت‌های او عبادت می‌کنند که این، عبادت تاجران است، و گروهی خدا را به جهت ترس از عذابش عبادت می‌کنند که این، عبادت بندگان است، و گروهی خدا را به جهت شکر او عبادت می‌کنند که این، عبادت آزادگان است.»

امام صادق علیه السّلام فرمود:

«مردم در عبادت خداوند سه گروهند: گروهی برای رسیدن به پاداش‌های الهی عبادت می‌کنند و گروهی از ترس آتش... ولی من خداوند را به جهت محبت و



۱. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۴

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۲۳۷

علاقه‌ای که نسبت به او دارم عبادت می‌کنم، که این عبادتِ بزرگواران است.»^۱

امام سجّاد علیه السّلام هم می‌فرماید:

«من کراهت دارم خدا را فقط به غرضِ ثواب عبادت کنم... و نیز کراهت دارم غرض از عبادتم فقط ترس از عقاب خدا باشد...»

گفتند: پس شما به چه جهت او را عبادت می‌کنید؟
حضرت فرمود:

«به جهت اینکه ذات مقدّس خداوند اهل است برای عبادت به سبب نعمت‌های فراوانی که به من ارزانی داشته.»^۲

نتیجه آنکه: باید در نماز تا آنجا که می‌توانیم نیت خود را خالص کنیم و تنها و تنها برای خداوند و محبت او نماز بخوانیم.

تکبیرة الاحرام

پس با قلبی پاک، عظمت و کبریائی خداوند سبحان را در نظر آور و خود را حقیر و کوچک بشمار و بگو «الله اکبر» یعنی خداوند از هر چیزی بزرگتر است بلکه بزرگتر است از آنکه وصف شود.

پس اگر خواستی، تکبیر را هفت بار تکرار کن تا مجد و

۱. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۰۵

۲. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰



عظمت خداوند، هر چه بیشتر در نظرت بلند گردد و ذلت و انکسارت، هر چه بیشتر جلوه کند.

و بدان تکبیر اول نماز را «تکبیره الاحرام» گویند، به این معنا که با گفتن آن احرام می‌بندی و لبیک گویان دور خانه محبوب به طواف می‌روی، پس همچون حجاج خانه خدا، دل از علائق دنیا قطع کن و خیالی جز وصل یار به سر راه مده که؛

«إِنَّهُ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ.»

اینک که بر دنیا و آنچه در آن است پشت‌پازدی و از فرش زمین به آسمان حضور در ملکوت پرکشیدی، شیطان، آن دشمن دیرینه‌ای که با سرپیچی از سجده و اطاعت، از اوج آسمانها به زمین پرتاب شده است، پیش می‌آید و می‌خواهد تو را از فیض حضور مانع گردد پس خالصانه از شر او به خدای بزرگ پناه ببر و بگو:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.»

قرائت

پس با خاطری جمع و سکونی فراگیر و اعضائی مطمئن و قلبی آرام با کوتاه کردن نگاهت به سجده‌گاه، نظر از هر که غیر اوست بردار و سوره مبارکه حمد را تلاوت کن، و با هر جمله‌ای که می‌گویی حضور محبوب را در قلب و جانانت بیشتر طلب کن که او رحمان و رحیم و رب العالمین است.

پس با قلبی آکنده از هیبت و جلال خداوندی و ترس و



بیم روز جزاء زبان به «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» بگشا که سلطنت و قدرت او در آن روز بر همگان هویدا گردد و قلب‌ها خاشع شود.

و چون دیدی آیه‌ای تو را جذب کرد و و قلبت را تسخیر نمود آن را تکرار کن.

در روایت است که امام سجّاد علیه السّلام آیه «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را آن قدر در نماز خود تکرار می فرمود که گاهی مُشْرِف به موت می شدند.^۱

و نیز امام صادق علیه السّلام آیات قرآن را آن قدر در نماز تکرار فرمود که مدهوش شد، و چون به حال خود آمدند علّتش را پرسیدند.

آن حضرت فرمودند:

«آن قدر آیات را تکرار کردم که گویا آنها را از زبان خداوند می شنیدم.»^۲

سوره

پس از اتمام حمد، سوره‌ای از قرآن کریم به تناسب حال و موقعیت خود انتخاب کن و بخوان.

رسول مکرم اسلام و ائمه اطهار علیهم السّلام در نمازهای خود مخصوصاً نمازهای غیر جماعت و مستحبی، سوره‌های طولانی انتخاب می کردند و آن را با صدای حزین

۱. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۴۷

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۴۷



به صورت مناجات می خواندند و به مؤمنین دستور می دادند تا آنها هم چنین کنند.

حضرت امام رضا علیه الصلوة و السلام می فرمایند:

«اگر کسی بگوید چرا باید در نمازها قرآن خواند جوابش این است:

«لَيْتَلَّا يَكُونُ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا وَ لِيَكُونَ مَحْفُوظًا
مَدْرُوسًا فَلَا يَضْمَحِلُّ وَ لَا يُجْهَلُ.»

تا قرآن دور افتاده و ضایع نگردد بلکه محفوظ بوده، مورد تدریس قرار گیرد، و در نتیجه در جامعه مسلمین از بین نرود و مردم به آن جاهل نگردند.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که می خواستند قرآن تلاوت کنند غالباً به نماز می ایستادند و قرآن را در نماز می خواندند.

در روایتی آمده که از رسول خدا پرسیدند: چرا خسته به نظر می رسید؟ حضرت فرمود:

«دیشب سی سوره از قرآن خوانده‌ام که در آن هفت سوره طولانی بوده است.»^۲

یعنی سوره بقره و آل عمران و نساء و مائده و انعام و اعراف و انفال و توبه^۳، که تنها هفتمین هفت سوره در



۱. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۵۴

۲. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۹۸

۳. در شمارش سوره‌های طولانی، این دو سوره به منزله یک سوره محسوب می‌شود.

قرآن‌های معمولی ۲۰۷ صفحه یعنی بیش از ده جزء از قرآن است و شاید سی سوره‌ای که آن حضرت قرائت کرده‌اند از نصف قرآن هم تجاوز کند. او پیامبر است و ما امت او! ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟!!!

برای خواندن بیشتر سوره‌های قرآن در نماز، ثواب‌های فراوانی در روایات ذکر شده است از آن جمله:

هر کس سوره «دُخَان» را در نمازهای واجب و مستحبّ خود بخواند در روز قیامت از امنیت برخوردار و در سایه عرش خداوند قرار می‌گیرد و حسابش آسان و کتابش به دست راستش داده می‌شود.

و هر کس سوره «مُمتَحَنه» را در نمازهایش بخواند خداوند قلب او را به ایمان امتحان کند و چشمش را نورانی گرداند و هرگز به او فقر نرسد و خودش و اولادش مجنون نگردند.

و هر کس سوره «تَغَابُن» را در نمازش بخواند آن سوره در روز قیامت شفیع او گردد و برایش نزد خداوند شهادت دهد و از او دور نگردد تا او را وارد بهشت کند.

و هر کس سوره «ن وَالْقَلَم» را در نماز واجب یا مستحبّش بخواند خداوند او را از فقر در امان قرار می‌دهد و از فشار قبر رهایی می‌بخشد.

و هر کس سوره «أَعْلَى» را در نمازش بخواند به او در قیامت گفته می‌شود از هر دری که می‌خواهی داخل بهشت شود.



و نیز امام صادق علیه السلام فرمود:

«سوره «فجر» را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید که آن سوره حضرت حسین علیه السلام است هر کس آن را بخواند روز قیامت با امام حسین علیه السلام خواهد بود در همان درجه بهشتی، که خداوند عزیز و حکیم است.»^۱

فضیلت سوره‌های قرآن بسیار فراوان است و ما فقط به گوشه‌ای از آن اشاره کردیم تا بدانید روش افرادی که فقط سوره «قل هو الله» را در نماز می‌خوانند صحیح نیست بلکه باید قرآن در نمازها دوره شود تا در دل‌ها اثر نماید و خواندن آن از روی قرآن در نمازها، مخصوصاً در نمازهای مستحبی هیچ اشکالی ندارد و لذا بعضی از بزرگان ما در نمازهای خود قرآن را دوره می‌کردند، یعنی از اول تا آخر آن را در نمازهای پشت سر هم، قرائت می‌نمودند.

رکوع

در این حال که از چشمه زلال قرآن نوش جان کردی و سرمست جمال و جلال یار گشتی با تمام قد بر قامت محبوب تعظیم کن و با کمال احترام و ادب، خود را کوچک و حقیر بدان و کمر خدمت در برابرش خم کن و به رکوع برو و گردنت را به زنجیر و طاعت و بندگی اش درآور و خدا را به



بزرگی و عظمت یاد کن و بگو **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ**
پاک و منزّه است پروردگار من که چه با عظمت است و من به
سپاس او مشغولم.

از أميرالمؤمنين عليه السلام پرسيدند: چرا در رکوع بايد
گردن را کشيد و راست نگه داشت؟ حضرت فرمود:

«تأويلش اين است که خدايا! من به وحدانيت تو ايمان و
اقرار دارم گرچه گردن مرا بزنی.»^۱

طول دادن رکوع و سجود و تکرار ذکر آن بسيار بجا و
نيکوست و لذا امام صادق عليه السلام فرمود:

«... عَلَيكُمْ بِطُولِ السُّجُودِ وَ الرُّكُوعِ...»

«... بر شما باد بر طولانی کردن سجود و رکوع، که وقتی
یکی از شما چنین کند، ابليس ملعون در پشت سر او
فریاد می زند ای وای که آنان اطاعت کردند و من
معصیت، آنها سجده کردند و من سرپیچی.»^۲

ابان بن تغلب می گوید:

بر امام صادق عليه السلام داخل شدم آن حضرت
مشغول نماز بود پس شمردم حضرت در رکوع و سجود
خود شصت بار تسبیح فرمود.^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۰۳

۲. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۳۶

۳. بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۵۰

سجده

پس چون از رکوع برخاستی خود را در مقابل عظمت و جلال خداوند به خاک انداز و شریف ترین موضع بدن یعنی پیشانی و صورتت را به خاک دَرَش بسای که ای خدای بزرگ، مرا با شرافت چه کار؟! من خاکسار درگاه توام و بدان افتخار می کنم. و چون سجده ذلیلانه ترین حالت نماز است، پس به فقر و مسکنت خود اقرار کن و صورت خود را در دستان پرمهر آن محبوب احساس کن و از درگاه او نیازهای خود را خواستار شو و بگو **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَ بِحَمْدِهِ** پاک و منزّه است پروردگار من که چه بلند مرتبه و ارجمند است و زبان من به حمد و سپاس او گویاست. پس تاملی توانی ذکر سجده را تکرار کن و مبادا همچون پرندگان که از زمین دانه بر می چینند عجله کنی!

امام باقر علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در مسجد نشسته بودند که مردی آمد و به نماز ایستاد ولی رکوع و سجودش را تامّ و تمام انجام نمی داد پس رسول خدا فرمود:

نَقَرُ كَنْفَرِ الْغُرَابِ - این رکوع و سجود نیست بلکه - نوک زدنی است مانند نوک زدن کلاغ.

«لَئِنْ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَيَّ غَيْرِ



دینی.» اگر این مرد نماز خود را اصلاح نکند و با همین

نماز خواندن از دنیا برود بر دین من نخواهد بود.^۱

یعنی کسی که رکوع و سجود خود را تند و سریع انجام می‌دهد گویا مسلمان نیست.

أمیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«اگر نمازگزار می‌دانست چه جلالت و عظمتی از جانب

خداوند سر تا پای او را می‌پوشاند اصلاً دوست نداشت

سر از سجده بردارد.^۲

و نیز آن حضرت فرمود:

«أَطِيلُوا السُّجُودَ فَمَا مِنْ عَمَلٍ أَشَدَّ عَلَيَّ إِبْلِيسَ مِنْ أَنْ

يَرَى ابْنَ آدَمَ سَاجِدًا، لِأَنَّهُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ فَعَصَى وَ هَدَا

أَمْرًا بِالسُّجُودِ فَاطَّاعَ وَ نَجَا.»^۳

«سجده‌های خود را طولانی کنید که هیچ عملی برای

شیطان دردآورتر از این نیست که، ببیند فرزندى از

حضرت آدم به سجده رفته است زیرا ابلیس را فرمان

سجده آمد و او سرپیچی کرد و به فرزند آدم امر شد و او

اطاعت کرد و نجات یافت.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«نزدیکترین حالتی که یک بنده می‌تواند به خداوند

۱. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۰۰

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۷

۳. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۶۱



داشته باشد سجده است.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا مشغول رسیدگی به بعضی از اطاق‌های منزل خود بودند که مردی از مسلمانان بر آن حضرت گذر کرد، پس گفت: یا رسول الله آیا به شما کمک کنم؟ حضرت فرمود: اگر می‌خواهی بکن.

آن مرد شروع کرد به کمک تا اینکه کار رسول خدا تمام شد.

پس حضرت فرمودند: ای مرد حاجت تو چیست؟

آن مرد گفت: «بهشت!»

رسول خدا سر مبارک خود را پائین انداختند و پس از لحظاتی فرمودند:

باشد - قبول است -.

آن مرد پشت کرد تا برود حضرت او را صدا زدند و فرمودند:

«یا عَبْدَ اللَّهِ اَعِنَّا بِطُولِ السُّجُودِ.»

ای بنده خدا ما را کمک کن به طولانی کردن سجدهات.»^۲

رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام همگی سجده‌های



۱. همان.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۶۵

طولانی داشتند که در آنها بهترین و مخفی ترین راز و رمز خود را با محبوب جانها در میان می گذاشتند.

سینه صافان محبت فارغ از جام جم اند

آنچه باید دید در آئینه دل دیده اند

امام صادق علیه السلام در حدیث مفصّلی می فرماید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شب نیمه

شعبانی به سجده رفت و عرضه داشت:

خدایا! برای تو سجده می کنم سجده ای با جسم و جان، و به تو ایمان دارم ایمانی برخاسته از دل.

خدایا! این دست های گنهکار من است که به درگاہت آورده ام، ای بزرگی که هر خواسته بزرگی از تو امید می رود گناه بزرگ مرا ببخشای که جز پروردگار بزرگ، گناه بزرگ را نمی بخشد.

پس حضرت سر از سجده برداشتند و باز به سجده رفتند و کلمات دلنشین دیگری با خدای خود زمزمه کردند.

«ثُمَّ عَفَّرَ خَدَيْهِ فِي التُّرَابِ»

پس حضرت صورت مبارک خود را در آستانه مقدّس پروردگار مهربان به خاک سائید و عرضه داشت:

خداوندا من صورت خود را خاک مال کردم و این کار سزاوار من است.»^۱



چراغ انجمن عشق اگر دهد پرتو

ز خاک بادیه هر ذره شبچراغ شود

«میشم تمّار» می‌گوید: دیدم أميرالمؤمنين عليه السلام را که به سجده رفت و صورت به خاک مالید و صدبار گفت «العفو»...^۱

امام سجّاد عليه السلام به صحرا می‌رفت و در روی سنگی خشن و دور از چشم مردم به نماز می‌ایستاد. پس یک روز بسیار گرم به بیابان رفت و غلام آن حضرت هم به دنبالش حرکت کرد، دید حضرت روی سنگ خشن و داغی به سجده رفت و آن قدر گریست که وقتی سر خود را از سجده برداشت گویا سر و صورتش را در آب فرو برده بودند...^۲

عشق درد است به نزدیک طبیبان مجاز

پیش دانای حقیقت بجز از درمان نیست
و نیز در روایت است که آن حضرت در سجده خود هزار بار می‌فرمود:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَ رِقًّا
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ صِدْقًا»

و سپس سر برمی‌داشت.^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۵۱

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۶۱

۳. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۶۶

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«پدرم حضرت زین العابدین علیه السلام - آن قدر سجده می کرد که - مواضع سجده اش پینه می بست و در هر سال پنج بار آنها را می بریدند، و لذا به آن حضرت لقب ذوالثَّفِنَات دادند.»^۱

ثَفِنَةٌ یعنی پینه و ضخیم شدن پوست.^۲

از حضرت امام موسی بن جعفرِ الْکَاطِمِ علیه السلام سجده های طولانی نقل شده که از حُسن اتِّفَاقِ الْآن که مشغول نوشتن این جملات هستم عصر روز بیست و پنجم ماه مبارک رجب، سالروز شهادت مظلومانۀ آن حضرت است که در صلوات مخصوص آن وجود مبارک می خوانیم «حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ»^۳، یعنی آن حضرت با سجده های طولانی همدوش و همراه بود.

احمد بن عبدالله از پدرش نقل می کند که گفت:

بر فضل بن ربیع - که مدتی زندانبان حضرت کاظم علیه السلام بود - وارد شدم و او بر روی پشت بام خانه اش نشسته بود، به من گفت: داخل خانه را نگاه کن چه می بینی؟ من نگاه کردم گفتم: یک عبائی آنجا افتاده، گفت: خوب نگاه کن! من دَقْتُ کردم دیدم مردی است که به سجده رفته.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۶۱

۲. لسان العرب

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۷



فضل گفت: آیا او را می‌شناسی؟! او موسی بن جعفر -
علیه السلام - است. او هر روز بعد از بالا آمدن خورشید به
سجده می‌رود و تا ظهر در حال سجده است و سپس بدون
اینکه تجدید وضو کند بر می‌خیزد و نماز ظهر خود را
می‌خواند... پس بعد از نماز عشا هم تجدید وضو می‌کند و
به سجده می‌رود و تا صبح در حال نماز است...^۱

در حالات اصحاب ائمه اطهار هم سجده‌های طولانی
نقل شده از جمله فضل بن شاذان نقل می‌کند که من در عراق
وارد شدم دیدم شخصی به شخص دیگری خطاب و عتاب
می‌کند که آخر تو عیالمندی و باید برای آنها دنبال کسب و
کار بروی و من می‌ترسم با این سجده‌های طولانی که داری
چشم خود را از دست بدهی، اما او در جواب رفیق خود
گفت:

وای بر تو اگر قرار بود چشم کسی از طول سجده از بین
برود، باید «ابن ابی عمیر» کور می‌شد زیرا او گاهی بعد از
نماز صبح به سجده می‌رفت و ظهر سر از سجده بر
می‌داشت.

فضل بن شاذان می‌گوید: یک روز استادم دست مرا
گرفت و به خدمت ابن ابی عمیر آورد و من او را آن روز
شناختم.^۲



۱. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۰۷

۲. سفینه البحار، ماده سجد.

و نیز فضل بن شاذان می‌گوید:

یکبار بر «ابن ابی عمیر» داخل شدم و او در حال سجده بود و سجده‌اش را بسیار طول داد پس سر از سجده بر داشت به او گفتم: چقدر سجده‌ات را طول دادی!

ابن ابی عمیر گفت: پس اگر سجده‌های «جمیل بن درّاج» را می‌دیدى چه می‌گفتى؟ زیرا یکبار من بر او وارد شدم و او در سجده بود و سجده‌اش را جداً طول داد، به او گفتم: راستى سجده‌ات را خیلی طول می‌دهى، جمیل بن درّاج گفت: پس اگر سجده‌های طولانی «معروف بن خَرَبُود» را می‌دیدى، سجده‌های مرا طولانی نمی‌دانستی!^۱

به هر حال سجده از بهترین اعمال جسمی و بدنی است و در آن کمال خشوع و خضوع، نمایان می‌گردد. پس چون از سجده اول سر برداشتی استغفار کن و دوباره به سجده برو و آنچه می‌خواهی ذکر بگو و سپس بنشین.

أمیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«در سجده اول با خود چنین بیندیش که «خدایا، تو مرا از خاک آفریدی» و چون سر از سجده برداشتی پیش خود بگو «خدایا، تو مرا از خاک خارج کردی» و در سجده دوم بگو «و مرا دوباره به خاک بر می‌گردانی» و چون از سجده دوم برخاستی بگو «و دوباره مرا از خاک خارج خواهی کرد.»^۲

۱. سفینة البحار، ماده عرف.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۵۴



پس برای رکعت دوم بلند شو و در هر حرکت و سکونی از نماز، خاطر خطیر محبوب را در نظر بگیر و با او نجوی کن و تا هر قدر کشش داری و حال خضوع و خشوعت را از دست نمی دهی نماز خود را با آرامش بخوان و طولانی کن تا از آن لذت ببری، و چنین بیندار که این نماز آخرین توست و می خواهی با آن وداع کنی.

و بدان، خشوع، ثمره ایمان و نتیجه یقین به جلالت خداوندی است، چون هرگاه بنده ای یقین کند که مولایش او را می بیند و از احوال و افکار و حتی خطورات ذهنی اش مطلع است قهراً قلب خود را متوجه او می کند و به دنبال آن، جوارحش خاشع می گردد.

لذا وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمازگزاری را دیدند که با موهای صورت خود بازی می کرد فرمودند:

«این مرد اگر قلبش خاشع بود، جوارح او هم خاشع می شد.»^۱

قنوت

و چون برای رکعت دوم برخاستی و از قرائت فارغ شدی با کمال ذلت و انکسار دست های خود را به طرف آسمان بلند کن و آنچه اراده داری از خداوند بخواه که امام صادق



علیه السّلام فرمود:

«هیچ بنده‌ای دست خود را به پیشگاه پروردگار عزیز
دراز نمی‌کند مگر اینکه خدای عزّوجلّ حیا می‌کند از
اینکه او را با دست خالی برگرداند بلکه از فضل و
رحمتش آنچه بنخواهد در آن دست قرار می‌دهد.»^۱

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«أَطْوَلُكُمْ قُنُوتًا فِي دَارِ الدُّنْيَا، أَطْوَلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ
الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ.»^۲

«هر کس از شما در دنیا قنوتش طولانی‌تر باشد
راحتی‌اش در موافق روز قیامت بیشتر خواهد بود.»

و لذا برای ائمه اطهار علیهم السّلام در کتب حدیث
قنوت‌های طولانی ذکر کرده‌اند که این مختصر را گنجایش
آنها نیست.

اما ای عزیز نمازگزار! سعی کن در نمازت مخصوصاً در
سجده و قنوت، چشمی از محبت خدا، تر کنی و اشکی بر
دامن یار بیاری تا او هم به تو نظر رحمت کند و قلبت را به
حضور بخواند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: خوشا آن
صورتی که خداوند آن را در حال گریه ببیند، گریه‌ای از
خوف خدا، آن هم بر گناهی که جز خدا کسی را بر آن

۱. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۹۸

۲. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۱۹۹



اطلاعی نیست.^۱

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی را وزن و قیمتی است جز اشک چشم که قطره‌ای از آن دریا‌هایی از آتش را خاموش تواند کرد و چون چشمی به اشک نشست دیگر بر صورت صاحبش غبار ذلت ننشیند و چون اشک جاری شد خداوند او را بر آتش حرام فرماید، و اگر یک نفر با گریه برای امتی دعا کند همه آنها مورد ترحم قرار می‌گیرند.^۲

تشهد و سلام

پس در رکعت دوم تشهد و در رکعت آخر تشهد و سلام را بجای آور و در آن جمیع اعتقادات حقه خود را از توحید و نبوت و ولایت به پیشگاه حضرت حق به شهادت برسان.



وقت نماز

از دستورات اکید دین مبین اسلام، انجام نماز در اوّل وقت است و در این باب روایات بسیاری وارد است که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم می‌فرماید:

«لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي غَدًا مَنْ أَخَّرَ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ بَعْدَ وَقْتِهَا.»^۱

«به شفاعت من در روز قیامت نمی‌رسد کسی که نماز واجب را از وقت آن تأخیر بیندازد.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هر کس نمازهای واجب خود را در اوّل وقتش با رعایت حدود آن انجام دهد فرشته‌ای آن نماز را که به صورت نور سفید و پاکیزه‌ای است به آسمان بالا می‌برد، در حالی که نماز به صاحبش ندا می‌کند: خداوند تو را



محفوظ دارد همانگونه که مرا محفوظ داشتی و تو را به خدا می سپارم همانگونه که تو مرا به فرشته ای کریم سپردی.

اما هر کس نمازش را از وقت آن بدون عذر تأخیر بیندازد و جوانیش را رعایت ننماید فرشته ای نمازش را که پاره ای سیاه و تاریک است به آسمان می برد در حالی که نماز به صاحب خود فریاد می زند که: مرا ضایع کردی خدا تو را ضایع و تباه کند و مرا رعایت نکردی خدا تو را رعایت نفرماید.^۱

پس ای عزیز نمازگزار! نمازت را پاس دار تا صاحب نماز، تو را به حضور بپذیرد و پذیرایی نماید.
أمیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

«هیچ عملی نزد خدای عزوجل محبوب تر از نماز نیست.»

﴿فَلَا يَشْغَلُكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا﴾

پس کاری از کارهای دنیا شما را از وقت نماز مشغول نکند که خداوند در مذمت گروهی از نمازگزاران می فرماید:

﴿فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾^۲



۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۰

۲. سوره ماعون (۱۰۷)، آیه ۴ و ۵

پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافل‌اند و این مذمت، بر کسانی است که نماز را سبک شمرده و در وقت آن سستی نموده‌اند.^۱

حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«هر نمازی دو وقت دارد: اوّل و آخر؛ اما اوّل وقت، رضوان خداست و آخر وقت، عفو خدا.»^۲

یعنی نمازِ اوّل وقت موجب رضایت و خشنودی حضرت حقّ است اما در آخر وقت همین قدر است که خداوند انسان را می‌بخشد؛ و چقدر فرق است بین رضایتمندی و عفو و اغماض! مانند پدری که از یک فرزندش کمال رضایت را دارد چون مایه دلخوشی اوست ولی فرزند دیگرش خطا کار است منتهی به بزرگواری‌اش او را می‌بخشد.

حضرت رضا علیه السلام خودشان به نماز اوّل وقت بسیار اهمیت می‌دادند و لذا ابراهیم قرّاز می‌گوید:

من در سفری در خدمت حضرت بودم که وقت نماز شد حضرت کناری رفتند و در زیر صخره‌ای پائین آمدند پس به من فرمودند: «اذان بگو». عرض کردم: آیا منتظر نشویم تا بقیه یاران برسند؟ حضرت فرمود:

«خداوند تو را بیمارزد،

۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۳

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۳۴۹



۶۶ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

«لَا تُؤَخِّرَنَّ صَلَاةً عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ
غَيْرِ عِلَّةٍ؛ عَلَيْكَ ابْدَأَ بِأَوَّلِ الْوَقْتِ.»

«هیچگاه نماز را، بدون علت، از اول وقت به آخر وقت
تأخیر مینداز؛ بر تو باد همیشه به اول وقت.»

پس من اذان گفتم و با آن حضرت نماز خواندیم.^۱



اثرات نماز

۱ - بازداري از زشتي‌ها

خداوند عزوجل در سوره عنكبوت (۲۹) آیه ۴۵

می‌فرماید:

﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ
الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾

«ای پیامبر، تلاوت کن آنچه از کتاب قرآن به تو وحی شده و نماز را بیای دار که نماز، آدمی را از هر کار زشت و بدی باز می‌دارد و یاد خدا بزرگتر از هر چیز است و خدا به کرده‌های شما داناست.»

کسی که بخواهد نماز صحیحی بخواند و شرایط آن را حفظ کند، باید مقدمات زیادی را انجام دهد که از جمله آنها دوری از گناهان و اعمال قبیح است. مثلاً برای صحت نماز



باید کاسبی و درآمدش حلال باشد تا لباسش را با مال حلال بخرد؛ خانه‌اش، فرش و سجاده‌اش، آب و ظرف وضویش همه و همه حلال و طبق موازین شرع باشد.

پس باید در کاسبی خود غش نکند، ربا نگیرد، دروغ نگوید، گرانفروشی نکند، از احتکار پرهیزد و نیز باید برای بدست آوردن مال، از غصب و ظلم و دزدی و خیانت و مکر و دهها گناه دیگر دوری کند تا مالی که به دست آورده پاک و طیب و طاهر باشد و نیز باید خمس و زکات اموال خود را بپردازد تا تصرف در آن جایز باشد؛ و خلاصه برای بجا آوردن دو رکعت نماز از صدها انحراف و گناه دامن خود را پاک نگهدارد. لذا وقتی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: فلاتی روزها نماز می‌خواند و شب‌ها به دزدی می‌رود! حضرت فرمود:

«حتماً نمازش او را از این کار جلوگیری می‌کند.»^۱

و نیز جوانی از انصار که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز می‌خواند و به کارهای فحشا و زشت هم دست می‌زد، یک بار وصف او را نزد رسول خدا گفتند.

حضرت فرمود:

«بالآخره یک روزی نمازش او را از کار زشت باز

می‌دارد.»

پس چیزی نگذشت که آن جوان توبه کرد و دست از



کارهای زشت خود برداشت.^۱

این است یکی از اثرات مهم نماز که رسول خدا آن را به «اطاعت از نماز» تعبیر می‌کند و می‌فرماید:

«هر کس از نماز اطاعت نکند نماز نخوانده است و

اطاعت از نماز، باز داشتن از فحشا و منکر است.»^۲

گویند بیماری به پزشک معالج خود گفت: هر آنچه فرمودی انجام دادم ولی نشانی از بهبودی نیست.

طیب فوراً گفت: از آنچه هم که ممنوع کردم پرهیز کردی؟!

بیمار سر بزیر انداخت و بی هیچ سخن، مطب را ترک گفت.

آیا ما هم از آنچه خداوند منع فرموده پرهیز کرده‌ایم تا دستوراتش مفید افتد؟! و آیا با کوله باری از گناه و نافرمانی، و روحی خسته و آلوده، ما را به بارگاه سلطان جانها و پروردگار عالمیان بار می‌دهند؟!

هرگز! چه اینکه در روایات فراوان آمده که تکرار گناه، قلب را تیره و تاریک می‌کند بطوری که دیگر روی خیر و صلاح را نخواهد دید و این است قول خدای عزّ و جلّ که فرمود:

بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۳

۱ و ۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸

۳. سوره مطففین (۸۳) آیه ۱۴



بلکه اعمال و معاصی آنها موجب زنگاری بر قلبهای آنان شده است.^۱

پس چه خوب است در نمازهای خودمان تجدید نظری کنیم و آن را مورد بررسی دقیقی قرار دهیم که چرا با این همه نماز باز هم اجتماع ما پُر است از فساد و منکرات؟ معلوم می‌شود نمازها، نماز نیست و شرایط صحّت و قبولی را به همراه ندارد.

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید:

«هر کس دوست داشته باشد بداند آیا نمازش قبول شده یا نه پس بنگرد آیا نمازش او را از زشتی‌ها و قبائح باز داشته یا نه! هر مقدار که از آنها جلوگیری شده و دست برداشته همان مقدار از نمازش مقبول درگاه الهی است.»^۲

۲ - خاموشی آتش دوزخ

دیگر از اثرات مهمّ نماز خاموشی جهنّمی است که ما با اعمال زشت خود برافروخته‌ایم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

«هیچ نمازی وقتش نمی‌رسد مگر اینکه فرشته‌ای در میان مردم ندا می‌دهد: برخیزید و آتشی را که برافروخته‌اید با نمازهایتان خاموش کنید.»^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۳۲

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸

۳. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹

۳- ریزش گناهان

سلمان فارسی می گوید: یک روز با رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم زیر درختی بودیم، آن حضرت شاخه‌ای را به دست گرفته و تکان دادند تا برگ‌هایش ریخت. پس پرسیدند:

«آیا نمی‌پرسید چرا چنین کردم؟!»

گفتیم: خبر دهید به ما یا رسول الله. حضرت فرمود:

«وقتی بنده مسلمانی به نماز می‌ایستد گناهان او می‌ریزد همانگونه که برگ‌های این شاخه ریخت.»^۱

۴- روی آوردن خوبی‌ها

دیگر از اثرات نماز، ریزش نیکی‌ها بر سر نمازگزار است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«برای نمازگزار سه چیز است: وقتی به نماز می‌ایستد خوبی‌ها و نیکی‌ها از اعماق آسمان بر سر او پاشیده می‌شود، و ملائکه خدا، از زیر پا تا آسمان، همه اطراف او را می‌گیرند، و فرشته‌ای ندا می‌کند:

«ای نمازگزار اگر می‌دانستی با چه - خدای کریم و بزرگواری - در حال مناجات هستی هرگز از او روی بر نمی‌تافتی.»^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۸

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۱۵



آری وقتی ملائکه الهی نمازگزار را در میان بگیرند و او را احاطه نمایند دیگر جایی برای شیطان و یارانش نمی ماند لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«مادامی که فرزندان آدم نمازهای پنجگانه خود را محافظت کنند، شیطان از آنها می ترسد، پس هنگامی که نماز خود را ضایع و خراب کردند شیطان بر آنها جرأت می کند و آنها را در گناهان بزرگ می اندازد.»^۱

۵ - طهارت از آلودگی ها

اثر دیگر آن که نماز، پاک کننده انسان از هر آلودگی است. أميرالمؤمنین علیه السلام یکبار به مردم رو کردند و فرمودند:

«کدام آیه در قرآن امیدوار کننده تر است؟»

بعضی گفتند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ

لِمَنْ يَشَاءُ﴾^۲

«خداوند نمی بخشد از اینکه بر او شرک ورزند ولی غیر از گناه شرک را می بخشد نسبت به هر کس که بخواهد.»

حضرت فرمود:

«خوب آیه ای است ولی از آن امیدوار کننده تر چیست؟»



۱. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲

۲. سورة نساء (۴)، آیه ۴۸

بعضی گفتند:

﴿قُلْ يَعِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۱

«بگو ای بندگان من که بر خود زیاده روی کرده‌اید از
رحمت خدا ناامید نگردید که خداوند همه گناهان را
می‌آمرزد و او غفور و رحیم است.»

حضرت فرمود:

«خوب آیه‌ای است ولی امیدوار کننده‌ترین آیه نیست.»
بعضی دیگر آیه دیگری را گفتند و باز حضرت همان
جواب را داد، پس مردم آماده شدند و سرکشیدند که
حضرت چه می‌فرماید، حضرت فرمود:

«ای مسلمین... شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم که فرمود: امیدوار کننده‌ترین آیه در کتاب خدا این
آیه است که می‌فرماید:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ
الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ﴾^۲

و نماز را در اوّل و آخر روز و ساعاتی از شب بیای دار -
که این آیه اشاره است به نمازهای واجب یومیّه - به

۱. سوره زمر (۳۹)، آیه ۵۳

۲. سوره هود (۱۱)، آیه ۱۱۴



درستی که حسنات و کارهای نیکو، سیئات و کارهای زشت را می‌برد و نابود می‌کند.

بعد رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمود:

ای علی! به آن کس که مرا به حَقِّ مبعوث فرمود، و بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد وقتی یکی از شما وضو می‌گیرد گناهایش از اعضاء او می‌ریزد و چون به نماز می‌ایستد و صورت و قلبش را رو به خدا می‌کند از نمازش روی بر نمی‌تابد مگر اینکه دیگر، بر او گناهی نیست ... سپس فرمود:

یا علی! نمازهای پنجگانه به منزلهٔ نهری است که بر در خانهٔ هر یک از شما جاری باشد پس آن کس که گمان دارد در بدنش چرک و آلودگی است اگر هر روز پنج‌بار در آن نهر خود را بشوید آیا اثری از ناپاکی در او باقی می‌ماند؟

به خدا قسم نمازهای پنجگانه برای امت من اینگونه است.»^۱



ترک نماز یا سستی در آن

خداوند عزوجل در سوره ماعون (۱۰۷) آیه ۴ و ۵ می‌فرماید:

﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾

«پس وای بر نمازگزاران، آنان که به نماز خود توجهی نمی‌کنند.»

و نیز در سوره مائده (۵) آیه ۵۸ درباره کسانی که مؤمنین نباید آنها را ولی و دوست خود بگیرند می‌فرماید:

﴿وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُؤًا وَلَعِبًا﴾

«و چون آنان را به نماز می‌خوانید آنها نماز را به مسخره و بازی می‌گیرند.»

در روایات، برای کسانی که نماز را ترک کنند و یا در انجام آن سستی و تنبلی نمایند عقاب‌های سختی بیان شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:



«مرا که به آسمان بالا بردند به گروه‌هایی گذشتم که سرهای آنان را با سنگ می‌شکستند، به جبرئیل گفتم: اینان کیانند؟ جبرئیل گفت:

کسانی هستند که بدون خواندن نماز عشاء می‌خوابند.»^۱
از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا زناکار را کافر نمی‌گویند ولی به تارك الصلوة (یعنی کسی که عمداً نماز را ترک کند) کافر می‌گویند؟
حضرت فرمود:

«زیرا زناکار و یا مانند آن از روی میل و خواسته خود دست به آن عمل می‌زنند و غلبه شهوت موجب آن می‌گردد. اما کسی که نماز نمی‌خواند، از روی استخفاف و سبک شمردن، نماز را ترک می‌کند، چون در ترک نماز لذتی نیست و این سبک دانستن، نشانه کفر است.»^۲

بله ترک کننده نماز کافر است همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«بین کفر و ایمان فاصله‌ای نیست جز ترک نماز.»^۳
منتهی اگر اعتقاد به وجوب آن نداشته باشد باید کشته شود ولی اگر بداند نماز واجب است ولی ترک کند در دفعه



۱. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۱۳

۲. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۱۴

۳. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۱۷

ترک نماز یا سستی در آن * ۷۷

اول تعزیر می شود یعنی او را به چند تازیانه تنبیه می کنند و در دفعه دوم و سوم هم تعزیر می شود پس اگر برای مرتبه چهارم نماز خود را ترک کرد کشته می گردد و این عذاب دنیائی اوست، اما عذاب آخرتش به مراتب سخت تر و سنگین تر است.

و لذا امام صادق علیه السلام می فرماید:

«هر کس نماز عصر خود را عمداً ترک کند خداوند او را در روز قیامت تک و تنها می گذارد. و اهل و مالش دردی از او دوا نمی کنند.»^۱

در مورد سهل انگاری در نماز روایت عجیبی از رسول اکرم رسیده که سخت مایه عبرت است. فاطمه زهرا علیها سلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که: «پدرجان! مردان یا زنانی که در امر نماز سهل انگاری می کنند و آن را سبک می شمارند چه عقوبتی دارند؟ رسول خدا فرمود:

هر کس از مردان یا زنان، به نماز اهمیت ندهد خداوند او را به پانزده چیز مبتلا می گرداند.

... اما در «دنیا» به شش امر:

- ۱ - برکت را از عمرش می برد.
- ۲ - برکت را از روزی اش بر می دارد.



۳ - سیمای صالحین را از او می‌گیرد.

۴ - به هیچ عملی از او، اجر نمی‌دهد.

۵ - دعایش به آسمان نمی‌رود.

۶ - از دعای نیکوکاران بهره‌ای نمی‌برد.

و اما در «وقت مردن»:

۷ - با حال ذلّت جان می‌سپارد.

۸ - گرسنه می‌میرد.

۹ - تشنه جان می‌دهد به طوری که اگر از نهرهای دنیا

به او بدهند تشنگی‌اش از بین نمی‌رود.

و اما «عقاب قبر» او این است که:

۱۰ - خداوند ملکی را برای عذاب بر او می‌گمارد.

۱۱ - قبرش تنگ می‌گردد.

۱۲ - قبرش در ظلمت و تاریکی فرو می‌رود.

و اما عذاب روز «قیامت» او این است که:

۱۳ - خداوند فرشته‌ای را مأمور می‌کند تا او را جلوی

مردم با صورت روی زمین بکشاند.

۱۴ - از او حساب شدیدی می‌کشند.

۱۵ - و بالأخره خداوند به او نظر رحمت نمی‌کند و او را

پاک نمی‌گرداند و برای اوست عذابی دردناک.^۱



ترک نماز یا سستی در آن * ۷۹

با توجه به این حدیث شریف و عبرت‌انگیز جا دارد از خدای بزرگ بخواهیم تا نه تنها از گناهان ما بلکه از نمازهای ما درگذرد و ما را به این پانزده بلای سنگین که شقاوت و بدبختی دائمی را در پی دارد مبتلا نگرداند و آنچه نقص و کاستی در نمازهای ما می‌بیند، به لطف و کرمش جبران فرماید.

نماز پایهٔ دین است و رکن ایمان است

نماز شستشوی روح و دل ز عصیان است

نماز نغمهٔ پیغمبران خداست

نماز در دل هر تیرگی چراغ هُدی است

نماز بود که با اهل راز همدم بود

نماز چشم و چراغ رسول اکرم بود

نماز روز غم و درد، یار احمد بود

نماز در شب معراج با محمد ﷺ بود

نماز جان عبادت، عصارهٔ قرآن

نماز بود رفیق علی ع به نخلستان

نماز بر لب اهل کمال زمزمه است

نماز همدم دیرآشنای فاطمه ع است

نماز روح عبادت، نماز روح دعاست

نماز یار و هم‌آغوش سیدالشهدا است

نماز دلبر و معشوق ساجدین بوده

نماز هم‌نفس زین‌العابدین بوده



۸۰ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

نماز آبروی اهل راز در شب بود

نماز در شب غربت چراغ زینب بود

نماز همقدم استعانت و صبر است

نماز مشعل تابان به ظلمت قبر است

نماز مُهر قبولی کَلِّ اعمال است

نماز میوه عشق محمد و آل علیهم السلام است^۱



مساجد و نماز در آن

در شرع مقدّس اسلام به «مسجد» اهمیّت فراوانی داده شده زیرا مسجد پایگاه نشر حقایق اسلام و مرکز تجمّع مؤمنین و میعادگاه گفتگو با حضرت ربّ العالمین است.

رسول مکرم اسلام غالباً آیات قرآن را در مسجد برای مردم می خواندند و مسلمین را در مسجد پند و اندرز می دادند. امیرالمؤمنین علیه السّلام غالب خطبه های خود را در مسجد ایراد می کردند و قضاوت های آن حضرت در مسجد بود.

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«هر کس به مسجد رود برای هر قدمش در رفت و برگشت، ده حسنه است و برای هر قدمش ده سیئه از او محو می شود و برای هر قدمش ده درجه بالا می رود.»^۱



و نیز آن حضرت به ابوذر فرمود:

«ای اباذر! خدای تعالی تا وقتی که در مسجد هستی
برای هر نفس تو درجه‌ای عطا می‌فرماید و ملائکه بر تو
درود می‌فرستند و برای هر نفسی ده حسنه برای توست
و ده سیئه از تو محو می‌گردد.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بر شما باد به رفتن به مساجد که مساجد خانه‌های خدا
در زمین است و هر کس با حال طهارت به مسجد رود
خداوند او را از گناهانش طاهر می‌گرداند و نامش را در
زمره زائرین خود ثبت می‌فرماید.

پس در مساجد، زیاد نماز بخوانید و دعا کنید و در مساجد
مختلف نماز بخوانید که هر قطعه‌ای از زمین برای
نمازگزار روی آن در قیامت شهادت خواهد داد.»^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خدای تعالی می‌فرماید: آگاه باشید خانه‌های من در
زمین مساجد هستند که برای اهل آسمان می‌درخشند
همچنان که ستارگان برای اهل زمین درخشش دارند.
آگاه باشید! خوشا آن کس که خانه‌اش مسجد باشد و
خوشا آن کس که در خانه خود وضو بگیرد و مرا در
خانه‌ام زیارت کند که برای هر زائری کرامتی به عهده
شخص زیارت شده است، بشارت باد به آنان که در



۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۷۰

۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۸۴

تاریکی‌ها به مسجد می‌روند بر اینکه روز قیامت نوری
فروزان خواهند داشت.»^۱

در این جا مناسب است داستان ظریفی که ملا احمد نراقی
آورده بیان کنیم که می‌گوید:

یکی از علمای اسلام بنام میرفندرسکی، گذارش به هند
افتاد، در یکی از شهرهای دور دست هند که همه بت پرست
بودند بتخانه بزرگی بود.

روزی از بهر تماشا رفت پیر

جانب بتخانه اعظم دلیر

قبه‌ای دید از رصاص و از رخام

بر ستونهای سراسر سنگ خام

قبه‌ای چون قبه گردون رفیع

ساختش چون پهنه هامون وسیع

سقف آن را تا فلک افراشته

از طلا و لاجورد انباشته

دُر و یاقوت آنچه آن جا رفته کار

از حساب افزودن و بیرون از شمار

از اکابر خلقی انبوه اندر آن

بهر خدمت بسته د امان بر میان

خلق دیگر از سر عجز و نیاز

از برای بت در آن جا در نماز



اندر آمد میر با تمکین نشست

پشت کفر از بار تمکینش شکست

بت پرستان دور او گشتند جمع

همچو آن پروانه اندر گرد شمع

یک برهمن زن میان لب باز کرد

پس باین نکته سخن آغاز کرد

برهمن گفت: هر چیزی که واقعیت داشته باشد محفوظ می ماند. ببین این بتخانه را، دو هزار سال است ساخته شده و بنا و بنیادش همواره استوار بجای مانده.

از مرور دهر و دوران کس ندید

در بنایش رخنه ای آید پدید

مسجد اسلامیان پنجاه و شصت

بگذرد آید بنایش را شکست

بودی ار حق دین اسلام این بنا

کی شدی از گردش دوران فنا

میرفندرسکی به آن برهمن گفت: سرعت خرابی مساجد ما به جهت آن نام مقدسی است که در آنها برده می شود.

زانکه آن نامی که گر خوانی به کوه

ریزد از هم کوه با فرّ و شکوه

بشکنند پشت و کمر افلاک را

کی گذارد مانند خشت و خاک را؟



طاعتی کائرا فلک ناورد تاب

کوه از تحمیل آن کرد اضطراب

کی تواند سنگ و گیل آنرا کشید

مسجد و محراب زان نیرو خمید

این شکست مسجد و محرابها

باشد از نام جلال کبریا

نور این نام گران بر طور تافت

طور را تا پشت ماهی بر شکافت

رود نیل این نام نامی چون شنید

سینه او را نهییش بردرید

آتش سوزان از این نام جلیل

سرد و سالم گشت از بهر خلیل

احمد از این نام گردون را شکافت

در شب معراج و ره بر عرش یافت

با چنین نامی بگو ای هوشیار

مسجد و محراب کی گیرد قرار؟

کوه را قرآن فرو ریزد زهم

مسجدی راگر شکست آرد چه غم!!

ای بزرگان نام با عز و جلال

هم جلال از او هویدا هم جمال

اضطراب از او و اطمینان ازو

بـحر را آرام ازو طوفان ازو



سپس رو به برهمن کرد و گفت: اما در این بتخانه شما آیا چنین نامی برده می شود؟

هیچ نام حق در آن جا شد بلند؟

عابدی سجاده ای آن جا فکند؟

شد جبینی اندر آن جا خاکمال؟

بهر تعظیم خدای ذوالجلال؟

هیچ قدی بهر حق آن جا خمید؟

نالهای از دل به گردون سرکشید؟

نام حق بتخانه هاتان گر شنود

یا کس آن جا بهر حق سجده نمود

یا در آن از سینه یک ارجمند

نعره الله اکبر شد بلند

پس اگر در آن جا نام حق برده شد و بنیادش استوار ماند آن وقت حرف شما درست است.

برهمن گفت: نه اگر چنین است:

خیز و تکبیر بلند آغاز کن

تا توانی رب خود آواز کن

گفت خود بردار و سر آور فرود

هرچه خواهی کن رکوع و کن سجود

بت پرستان جمله از جا خاستند

این سخن را شاخ و برگ آراستند



تادل مرد بزرگ آمد به جوش

غیرت اسلامش آمد در خروش

پس ز راه دین پاک و اعتقاد

کرد او بر غیرت حق اعتماد

تا رسید الهامش از یزدان پاک

لَا تَخْفَ مِنْ سِحْرِهِمْ أَلْقِ عَصَاكَ

گفت فردا موعده ما و شماست

روز سوک ماتم بتخانه‌هاست

نام یزدان سازم این‌جا آشکار

هم بت بتخانه اندازم زکار

این بگفت و سوی منزل باز شد

با خدای رازدان در راز شد

کی خدا من می‌شناسم خویش را

می‌شناسم عجز این درویش را

مَنْ كَفَرْتَارُ بَتِ نَفْسِهِ هُنُوز

مانده‌ام در دست آن زار عجز

کی توانم گفت بت خواهم شکست

یاکنم بتخانه را ویران و پست

مَنْ أَكْرَمِي بُوْدَمِي خُوْد بَتِ شَكْن

نفس خود بشکستمی چون کوهکن

الغرض آورد آن شب را به روز

در نیاز و عجز و آه و درد و سوز



روز دیگر چون خور از مشرق دمید
اهل آن شهر از سیاه و از سفید
جمله بسپردند با طبل و علم
جانب بتخانه اعظم قدم
آن بت و بتخانه را آراستند
پس به پیش بت به پا برخاستند
چشمشان بر راه پیر نیک رای
کز درآمد لب پر از ذکر خدای
قامتش خم گشته از بار خضوع
دیده‌اش رودی ز سیلاب دموع
رفت بر بام و اذان آغاز کرد
صد در رحمت در آن جا باز کرد
چونکه گفت الله اکبر گشت فاش
بر در و دیوار آن شهر ارتعاش
مردمان از هر طرف بی اختیار
نغمه تکبیر گفتند آشکار
مرغها در آشیانها زاهتزاز
پر زدند و نغمه‌ها کردند ساز
از بهار وحدت رب مجید
اندر آن ساحت نسیمی بروزید
از اذان چون فارغ آمد آن بلال
شد مهیا از پی فرض زوال



آمد از بام و به گنبد پا نهاد
اندر آن جا رو به کعبه ایستاد
پشت بر بت روی بر بت آفرین
هر دو دست انداخت بر جبل المتین
گفت اقامه کرد نیت، پس دو دست
برد بالا بهر حق احرام بست
چونکه گفت الله اکبر ناگهان
شد بلند آوزا تکبیر از بُتان
بلکه از هر خشت و هر سنگ و رخام
هم ز فرش و زینت و زیور تمام
از پس تکبیر، میر ارجمند
خویش را بیرون از آن گنبد فکند
پا برهنه چون برون از خانه جَست
سقف و بنیادش همه در هم شکست
سقف و دیوارش همه شد سرنگون
پایه‌اش افتاد و بشکستش ستون
سنگ و خشت و آجرش شد ریز ریز
جا نماند از آن بناها هیچ چیز
بت پرستان را همه خُرد و کلان
مانده انگشت تحیر بر دهان
جملگی را رفته از سر هوش و گوش
پس بیک بار آمدند اندر خروش



۹۰ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

کی دریغا عمرمان برباد رفت

عمرمان نی بر طریق داد رفت

ای دریغا ما زحق غافل شدیم

ما پرستنده، بتِ باطل شدیم

هرچه می خواندیم باطل شد جز او

نَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ

پس همه توحیدگویان فوج فوج

رو به سوی میر کردند همچو موج

کای امیر پاکدین و پاک رای

ما بَری از بت شدیم و بت ستای

ماگواهانیم بر توحید حق

توبه توبه!! ای امیر از ماسبق

پس سوی بتخانهها بر تاختند

جمله بتها را بخاک انداختند

هرکجا بتخانه، ویران ساختند

طرح مسجد جای آن انداختند

پس ز ترسایان فزون از صد هزار

ملت اسلام کردند آشکار

اهل دین را دم، زقرآن و دعاست

اهل دین را دم، زآل مصطفی است^۱



همسایگان مسجد

هر مسلمانی باید حداقل، نمازهای واجب خود را در مسجد بخواند ولی برای افراد نزدیک تأکید بیشتری شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«لَا صَلَوةَ لِحَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُدْرَةٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ.»

«برای همسایگان مسجد نمازی نیست مگر در مسجد
الّا اینکه عذری یا بیماری داشته باشند.»

پس به آن حضرت گفتند: همسایگان مسجد کیانند؟
حضرت فرمود:

«مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ»

«هر کس صدای اذان مسجد را بشنود.»^۱

و در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

«حریم مسجد چهل ذراع است و همسایگان مسجد
چهل خانه از چهار طرف اند.»^۲

شکایت مسجد

امام صادق علیه السلام فرمود:

«سه چیز نزد خدای تعالی شکایت می کنند:

۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۷۹

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳



مسجد خرابی که کسی در آن نماز نخواند؛
عالمی که در بین نادانان باشد و از او استفاده نکنند؛
قرآنی که بر روی آن غبار گرفته و کسی آن را قرائت
نکند.»^۱

و نیز آن حضرت فرمود:

«مساجد از همسایگانی که در آنها برای نماز حاضر
نمی‌شوند شکایت می‌کنند. پس خدای عزوجل خطاب
کرده می‌فرماید: به عزت و جلالم قسم حتی یک نماز از
آنها قبول نمی‌کنم و نسبت به آنان عدالتی از مردم ظاهر
نمی‌گردانم و رحمت من به آنان نمی‌رسد و آنان در
بهشت، مجاور من نخواهند بود.»^۲

ثمرات رفتن به مسجد

کسانی که به مساجد رفت و آمد زیادی دارند خوب
می‌دانند که اثرات حیات بخش مسجد تا چه اندازه است که
امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی به بعضی از آنها اشاره
کرده، می‌فرماید:

«هر کس به مسجد رفت و آمد کند حداقل به یکی از این
تحفه‌های هشتگانه خواهد رسید:

۱ - یا برادری در راه خدا برای استفاده می‌یابد؛



۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۸۵

۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۴۸

۲- یا به علمی مفید می‌رسد، یا برهان محکمی می‌بیند؛

۳- یا رحمتی را که انتظار می‌کشید، می‌یابد؛

۴- یا به کلمه‌ای که او را از پستی دور نماید بر می‌خورد؛

۵- یا کلمه‌ای که او را هدایت کند می‌شنود؛

۶- یا گناهی را از ترس از خدا ترک می‌کند؛

۷- و یا از معصیتی به سبب شرم و حیا دست

می‌کشد.»^۱

بله انسانی که فقط در منزل نماز می‌خواند چه بسا حالی به او دست دهد و تصور کند که نمازش از بهترین نمازهاست ولی وقتی به مسجد می‌رود، می‌بیند نه این طور نیست و افرادی در مسجد رفت و آمد می‌کنند و به نماز می‌ایستند که او باید سال‌ها در آرزوی نمازشان بگردد.

دوستی دارم که می‌گفت: یک روز سرد زمستانی زیر کرسی نشسته بودم، نزدیک ظهر شد با خود گفتم، مسجد دور است و هوا هم سرد، امروز به مسجد نمی‌روم ولی یکمرتبه به فکر امام جماعت افتادم و گفتم، این سید پیرمرد در این هوای سرد به مسجد می‌آید برای من و امثال من، بلند شدم و برای خدا به مسجد رفتم. در بین نماز یکمرتبه چیزی به اندازه گنجشگ از حیاط مسجد به سرعت آمد و رفت در گوش من در این حال متوجه شدم که من همه اذکار و



دعاهای مردم را می شنوم و به طور جداجدا بدون اشتباه و اختلاط، آنها را می فهمم - همانگونه که در مورد خدای تعالی وارد است که «یا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ»، ای خدایی که صوت های مختلف را با هم اشتباه نمی کنی - من تا آخر نماز همه کلمات افراد را از یکدیگر تشخیص می دادم... و این نبود مگر از برکت آمدن به مسجد.

ثواب مساجد

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«ای آبادر! نماز در مسجد من - یعنی مسجد النبی که در مدینه طیبه است - معادل با صد هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام.»^۱

أمیر المؤمنین علیه السّلام فرمود:

«خواندن نماز مستحبی در مسجد کوفه برابر است با عمره با رسول خدا، و خواندن نماز واجب در آن برابر است با حج با رسول خدا، و در مسجد کوفه هزار پیغمبر و هزار وصی نماز خوانده اند.»^۲

امام صادق علیه السّلام فرمود:

«... رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در شب معراج از خدای تعالی اذن گرفت و در مسجد کوفه دو رکعت



۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۶۹

۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۷۶

نماز گزارد... نماز واجب در آن مسجد معادل است با هزار نماز و نماز مستحب معادل است با پانصد نماز، و نشستن در آن عبادت است حتی بدون تلاوت قرآن یا ذکر خدا. پس اگر مردم ثواب نماز در مسجد کوفه را می دانستند به آن مکان می آمدند گر چه مجبور بودند مانند بیچه، چهار دست و پا سفر کنند.»^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«نماز در مسجد الحرام صد هزار برابر است و در مسجد مدینه ده هزار برابر و در مسجد بیت المقدس هزار برابر و در مسجد اعظم شهر صد برابر و در مسجد قبیله بیست و پنج برابر و در مسجد بازار دوازده برابر، و نماز در خانه همان یک نماز محسوب می گردد.»^۲

مخفی نماند در روایاتی دستور داده اند که نمازهای واجب یومیّه در مسجد خوانده شود و نمازهای نافله و مستحبی در خانه، تا اهل و عیال انسان هم آداب نماز را ببینند و یاد بگیرند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أمیر المؤمنین علیه السلام اطاقی که نه کوچک بود و نه بزرگ در خانه خود برای نماز اختصاص داده بودند.»^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۷۶

۲. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۸۰

۳. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۶۶



مسجد زنان

از آنجا که پوشش و مستوری برای زنان واجب‌ترین امور است در شرع مقدّس اسلام دستور داده‌اند که بانوان در منزل‌های خود نماز بگذارند، تا مبادا فسادِ ظاهر شدنشان در اجتماع و اختلاطشان با مردان از ثواب نماز در مسجد افزون گردد!

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«نماز فُرَادای زن در خانه‌اش بیست و پنج برابر نماز اوست در جمع.»^۱

امام صادق علیه السّلام فرمود:

«خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمْ، الْبُيُوتُ.»^۲

«بهترین مسجد برای زن، خانه اوست.»



۱. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۷۱

۲. همان.

نماز جمعه

نماز جمعه یکی از بزرگترین برنامه‌های عبادی سیاسی اسلام است که با تکرارش در هر هفته، روح عبادت و تقوی را در کالبد اجتماع می‌دمد و مسلمانان را در جریان سیاست‌ها قرار می‌دهد.

امام جمعه که باید فردی عادل و متقی و آگاه به مسائل اجتماعی باشد از طرف ولی فقیه در زمان غیبت امام زمان علیه السلام تعیین می‌گردد و مردم را با خطبه‌های خود پند و نصیحت می‌دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در طول حیات خود و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام حکومتشان نماز جمعه را شخصاً اقامه می‌نمودند و با خطبه‌های آتشین خود مسلمانان را به شاهراه هدایت و ترس از قیامت و تقوی و عبادت رهبری نموده از گناه و آلودگی و خیانت باز می‌داشتند.



خطبه‌های نماز جمعه باید آنچنان جذاب و مهیج باشد که در عمق جان‌ها بنشیند و شنوندگان را تا جمعه دیگر زنده‌دل و امیدوار نگهدارد.

نماز جمعه در هر شهر فقط در یک مکان اقامه می‌گردد^۱ تا همه آنان که در اطراف هستند و فاصله آنها کمتر از دو فرسخ است در آن مکان جمع شوند و از تجمع و به هم پیوستگی مسلمانان، دل دشمن، ترسان و امیدش از تسلط بر آنان قطع گردد.

یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی ما همین نماز جمعه است که بحمدالله در بیشتر شهرهای کشور برپا گشته و مردم غیور و دیندار هم به طور گسترده‌ای شرکت می‌کنند، لذا باید از این جمعیت انبوه و مشت‌های گره کرده و قلب‌های به هم پیوسته بیشتر از اینها استفاده شود تا تعداد نمازگزاران جمعه در هر هفته افزایش یابد و مخصوصاً جوان‌ها و افراد تحصیلکرده به نماز جمعه شائق شوند و شرکت در آن را وظیفه جدی خود بدانند.

الآن که مشغول نوشتن این سطورم از نماز جمعه برگشته‌ام که در اطراف حرم مطهر حضرت ثامن الحجج سلام الله علیه برپا شده بود و موج جمعیت آن خاطره صحنه‌های حج و عرفات را زنده می‌کرد.

خداوند طبّق‌هائی از نور بر مرقد بنیانگذار نماز جمعه در



۱. مگر شهرهای بزرگ، چون باید فاصله دو نماز جمعه کمتر از یک فرسخ نباشد.

کشور انقلابی و اسلامی ما بتاباند و کلیه امامان جمعه و شرکت کنندگان را در سراسر کشور، بر سر سفره پر برکت رسول مکرّم اسلام میهمان گرداند.

اهمیت نماز جمعه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس از روی ایمان و به قصد اطاعت از فرمان خدای تعالی به نماز جمعه بیاید، عمل خود را از سر بگیرد.»^۱

یعنی تمام گناهایش بخشیده می شود و نامه عملش از سیاهی معصیت پاک می گردد، پس دوباره اعمال نیک خود را ادامه دهد.

و نیز آن حضرت فرمود:

«هر کس روز جمعه وضو بگیرد و وضوی خود را نیکو کند سپس به نماز جمعه حاضر شود و خطبه ها را گوش دهد و در موقع ایراد خطبه سخنی نگوید، خداوند گناهان جمعه تا جمعه اش را می آمرزد، بلکه سه روز دیگر هم اضافه می فرماید.»^۲

و نیز فرمود:

«الْجُمُعَةُ حَجُّ الْمَسَاكِينِ.»^۳ «نماز جمعه حج فقراست.»

۱. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹۲

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۱۲

۳. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹۹



یعنی نماز جمعه که اجتماع و به هم پیوستگی دل‌هاست نمونه‌ای است از حجّ، زیرا در حجّ، هر ساله مسلمین جهان از اطراف عالم در مکهٔ معظمه جمع می‌شوند و قدرت خود را به نمایش می‌گذارند، در نماز جمعه هم هر هفته مردم یک شهر در کنار یکدیگر می‌نشینند و به سخنان پندآمیز خطیب جمعه گوش دل می‌سپارند و فقیر و غنی، آقا و خادم، همه و همه در یک صف به نماز دشمن شکن جمعه می‌ایستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ قدمی نیست که به سوی نماز جمعه بشتابد مگر اینکه خداوند آتش را بر بدن او حرام می‌فرماید.»^۱

عقاب ترک نماز جمعه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس نماز جمعه را از روی بی‌اهمیتی و سبک دانستن آن سه بار ترک کند خداوند قلب او را مهر می‌کند - که دیگر حقایق دین را نمی‌فهمد.»^۲

البته طبق روایات، نماز جمعه از عده‌ای برداشته شده و بر آنها واجب نیست.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«نماز جمعه از نه دسته برداشته شده: افراد غیر بالغ ،



۱. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۸۴

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۶۵

نماز جمعه * ۱۰۱

افراد مسنّ، مجنون، مسافر، عبد، زن، مریض، نابینا،
و آنان که تا محلّ نماز جمعه بیش از دو فرسخ فاصله
دارند.»^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«يَا عَلِيُّ، لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ وَلَا
أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ...»^۲

«ای علی، بر زنان نماز جمعه و جماعت نیست و نباید با
صدای بلند اذان و اقامه بگویند...»



۱. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۵۳

۲. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۱۵

نماز جماعت

نمازهای پنجگانه یومیّه باید به جماعت خوانده شود، زیرا اصل تشریح آن به جماعت است. یعنی بر خلاف آنچه امروز تصوّر می‌شود که بهتر است نمازها را به جماعت بخوانند در صدر اسلام حضور در جماعات مسلمین حکمی هم‌ردیف و خوب داشته و رسول مکرّم اسلام تأکید شدیدی به آن می‌نمودند حتّی در روایتی وارد است که آن حضرت فرمود:

«کسی که در مسجد، بدون علّت، با مسلمانان نماز نخواند نمازش صحیح نیست، و کسی که در خانه خود نماز می‌خواند و از حضور در جماعت ما روگردان است غیبت ندارد - یعنی می‌توان از او غیبت کرد - و هر کس در جماعت مسلمین حاضر نشود از عدالت ساقط و دوری‌گزیدن از او واجب است.»^۱



امام صادق علیه السلام فرمود:

«عده‌ای در زمان رسول خدا به نماز جماعت حاضر نمی‌شدند، پس رسول خدا تصمیم گرفت خانه آنها را آتش بزند، آنها هم از خانه‌های خود بیرون آمدند و در نماز جماعت شرکت کردند.»^۱

ثواب جماعت

اما در ترغیب و تحریم به نماز جماعت روایات فراوانی وارد است که فقط به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یک روز بعد از نماز ظهر حضرت جبرئیل با هفتاد هزار ملک نزد من آمدند، پس گفت:

یا محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و دو هدیه به تو عنایت کرده که به هیچ یک از پیامبران قبل از تو نداده!
گفتم: آن دو هدیه چیست؟

جبرئیل گفت: نماز و ثمر، سه رکعت و نمازهای پنجگانه به جماعت.

گفتم: ای جبرئیل! ثواب جماعت برای امت من چیست؟
عرض کرد: یا محمد! اگر جماعت فقط به دو نفر اقامه شود، خداوند برای هر کدام از آنها به هر رکعتی صد و پنجاه نماز می‌نویسد؛



و اگر سه نفر باشند ششصد نماز؛
و اگر چهار نفر باشند هزار و دویست نماز؛
و اگر پنج نفر باشند دوهزار و چهارصد نماز؛
و اگر شش نفر باشند چهارهزار و هشتصد نماز؛
و اگر هفت نفر باشند نه هزار و ششصد نماز؛
و اگر هشت نفر باشند نوزده هزار و دویست نماز؛
و اگر نه نفر باشند سی و شش هزار و چهارصد نماز؛
و اگر ده نفر باشند برای هر کدام از آنها به هر رکعتی
هفتاد و دوهزار و هشتصد نماز می نویسد.

پس اگر تعداد جماعت از ده نفر زیادتر شد اگر همه
آسمانها کاغذ و درختان قلم شوند و جنّ و انس و
ملائکه نویسند باشند نخواهند توانست ثواب یک رکعت
آن را بنویسند...»^۱

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس چهل روز به نماز جماعت حاضر شود و تکبیره
الاحرام امام را درک کند برای او دو برائت نوشته می شود
برائت از آتش و برائت از نفاق.»^۲

أمیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«هر کس نماز صبح را به جماعت بخواند نمازش با نماز
«آبرار» - که گروه بلند پایه ای از اولیاء خدا هستند - بالا



۱. بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۱۴

۲. بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۴

می‌رود و نامش در آن روز در زمرة متّقین ثبت
می‌گردد.»^۱

امام جماعت

اما امام جماعت باید مردی عالم و متّقی و دور از هوای
نفس و عادل و پارسا باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«در هر گروهی که خواستند نماز جماعت بر پا کنند آن
کس که به علم قرآن بیشتر آگاهی دارد امام می‌شود،
پس اگر دو نفر در آن مساوی بودند آن کس که زودتر به
دارالاسلام هجرت کرد، و اگر در هجرت مساوی باشند
آن کس که مسن‌تر است و اگر در سنّ مساوی‌اند آن
کس که به سنّت رسول خدا آگاه‌تر و در دین فقیه‌تر است
جلو می‌ایستد و دیگران به او اقتداء می‌کنند...»^۲

خداوند همه ما را به اقامه سنّت رسول خدا و برپائی
نمازهای باشکوه جماعت بیش از پیش موفق دارد.

«آمین ربّ العالمین»



۱. بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۱۷

۲. بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۶۲

مستحبات نماز

مسافر الی الله در راه رسیدن به محبوب خود دامن همّت به کمر زده تمام آنچه را که بر او واجب است انجام می دهد، بلکه پا فراتر نهاده از خرمن جانبخش مستحبات هم خوشه چینی می نماید تا این مسیر را به سرعت بیشتری بپیماید. زیرا بسیاری از دستورات اسلام در قالب امور استحبابی بیان شده و آنها اوامری است که انجامش در حدّ ضرورتِ واجبات نیست و ترک آنها هم موجب عذاب در قیامت نمی گردد، اما باید به این نکته توجه داشت که اگر دستورات استحبابی ترک شود زمینه مناسب برای ترک واجبات فراهم می آید، ضمن اینکه مستحبات، همیشه زینت بخش واجبات است. مثلاً در نماز آنچه واجب است همین تکبیر و حمد و سوره و رکوع و سجود و ارکان آن است که اگر به قدر واجب آورده شود جان نمازگزار سیراب نمی گردد زیرا می تواند در موقع نماز به اطراف نگاه کند،



دست خود را تکان دهد، اذکار را به حداقل برساند و خلاصه نمازی خشک و بی‌روح بلکه سریع و سبک بخواند. اما وقتی همین پیکره واجب با مستحبات آن همراه شد، رنگ و بوئی خدائی گرفته تغییرات کلی در آن رخ می‌دهد زیرا فرموده‌اند قبل از نماز، لباس سفید و تمیز بپوش، بدن و لباس خود را معطر کن، پس جای خلوتی که هیچ چیز اضافی در آن نباشد تا ذهن تو را مشغول سازد برای مناجات با پروردگار انتخاب کن، و سجاده‌ای سفید و بزرگ برای تمام قد بینداز، پس با توجه کامل اذان بگو بعد این دعا را بخوان، سپس اقامه بگو و برای وارد شدن در نماز با خواندن بعضی از دعاهای فراوانی که وارد شده خود را آماده کن. پس هفت بار تکبیر بگو و دعاهای بین آنها را بخوان. در تمام نماز باید چشم تو حالت خاصی داشته باشد، و در رکوع بین حمد و سوره به سجده گاه توجه داشته باش، و در رکوع بین دو قدم، و در سجده کنار بینی و در تشهد به دامن، و در قنوت به کف دست‌های خود نگاه کن، همچنین در هر نماز بعد از حمد، سوره‌های مختلف کوچک و بزرگ بخوان تا جانت با آیات مختلف قرآن آشنا شود، در رکوع و سجود ذکر را سه بار یا پنج یا هفت بار و یا بیشتر تکرار کن و در تغییر هر حالتی به حالت دیگر تکبیر بگو و خضوع و خشوع را در تمام مراحل نماز مراعات کن و هر چه می‌توانی در این چند رکعت نماز با پروردگارت راز و نیاز داشته باش



و مخصوصاً در قنوت دعا‌های طولانی بخوان و سجده‌هایت رانیز طولانی گردان و به هر حال به نمازت جان بده که نماز، حیاتبخش تو باشد.

بعد از نماز فوراً از جای خود برنخیز بلکه تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را بگو و از دعا‌های فراوان تعقیبات نماز به قدر حوصله و وقت خود استفاده کن که در این دعاها گنج‌ها نهفته است و البته مراقب باش نشاط خود را با طولانی کردن بیش از حد آن‌ها از دست ندهی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«ای علی! این دین، بسیار متین است پس با رفیق و مدارا در آن داخل شو،

«وَلَا تُبْعِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ.»

و عبادت پروردگارت را مورد بغض و کینه خود قرار مده...»^۱

پس سعی کن نماز خود را با عشق و شور بخوانی و هرگز پایان آن را به سرعت، خواستار نباشی که در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَيَّ مَا



أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا، عَلَى عُسْرٍ أَمْ عَلَى يُسْرٍ.»^۱

«بهترین مردم آناند که به عبادت، عشق و رزند پس آن را همچون معشوق در آغوش کشند و به آن از درون قلب محبت داشته، با جسم خود به انجام آن اقدام کنند و ذهن خود را از غیر محبوب فارغ سازند پس دیگر فکر دنیا را از سختی‌ها و خوشی‌هایش از خاطر ببرند.»

و نیز سعی کن نماز را در اوّل وقت بخوانی بلکه قبل از داخل شدن وقت، انتظارش را بکشی.

اینها گوشه‌ای از مستحبات نماز است و شما ملاحظه می‌کنید که اگر مستحبات، از نماز گرفته شود نماز، عریان و کم بهره می‌گردد. و همچنین است سایر مستحبات که به عنوان نمک، همراه همه واجبات، قدم به صحنه جان می‌گذارد و آن را عطر و بوئی تازه می‌بخشد.

بله، خداوند کریم این اعمال را واجب نفرمود، تا مردم در سختی و حرج نباشند؛ بلکه آنها را مستحب فرموده تا خودشان از روی میل و رغبت انتخاب کنند. پس انجام واجبات مانند این است که در سفره‌ای نان گذاشته شود و بس، گر چه نان برای سیر شدن کافی است اما کنار آن نمک و سبزی و خرما و انگور و ده‌ها چیز دیگر می‌گذارند تا مهمان عزیز، هر کدام را که میل داشت بخورد.

کوتاه سخن آن که گر چه انجام مستحبات واجب نیست



ولی کنار گذاشتن همه آنها هم، کاری بس ناروا و به فتوای بعضی از فقها حرام است و یک مسلمان آگاه و مطیع، سعی می کند کم و بیش آنچه از مستحبات را که با شاکله اش مؤانست دارد و روحش به آن میل و رغبت نشان می دهد انجام دهد تا در سیر خود به سوی خدای مهربان سرعت گیرد و رضای او را به دست آورد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام رنگ پریده و لاغر اندام اند، لبهای آنها خشک و شکمهای آنها خالی و زرد چهره اند و چون شب فرا می رسد به روی زمین نشسته جبهه به خاک می ساینند، سجده های آنان زیاد و اشک چشمشان فراوان و دعایشان بسیار و گریه هایشان مکرر است، مردم خوش اند - و غافل - آنها محزونند - و آگاه...»^۱



نمازهای مستحبی

«نماز» پیوند جان‌ها با خداست و با هر نمازی این پیوند محکم‌تر می‌گردد.

در شرع مقدّس اسلام به مناسبت‌های مختلف، نمازهای فراوانی وارد شده که شاید انواع آن مجموعاً از صد تجاوز کند، مانند نماز منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و فاطمه زهرا و ائمه طاهرین یا نماز هدیه و استخاره و استسقاء یا نماز حاجت و نماز شب‌ها و روزهای مختلف سال و نمازهای زیارت و... اما در میان آنها به چند نماز، اهمّیت خاصی داده شده مانند نماز شب، و نماز نوافل یومیّه.

نماز شب

نماز شب یازده رکعت است؛ پنج دو رکعتی و یک، یک رکعتی، که از نصف شب تا اذان صبح خوانده میشود. در روایات، آن قدر به این نماز تأکید و آداب آن بیان شده که



کتاب‌هایی مخصوص آن نوشته‌اند و خصوصیات آن را شرح کرده‌اند و ما در این مختصر به گوشه‌ای از آن می‌پردازیم و جامی از آن دریای نور و صفا می‌نوشیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خدای عزوجلّ به دنیا وحی فرمود که:

هرکس به تو خدمت کرد او را به رنج بینداز و هر کس تو را از خود دور کرد به او خدمت کن. و هر گاه بنده‌ای در دل شب تاریک با سید و آقای خلوت کرد و به مناجات، پرداخت، خداوند نوری در قلب او می‌تاباند، و چون زبان به یارب یارب گشود خدای جلیل ندا می‌کند:

لَبَّيْكَ أَيُّ بِنْدَةٍ مِنْ! بَخَوَاهُ تَا عَطَايْتِ كُنْمُ وَ بَرِ مِنْ تَكِيه كُن تَا كَفَايْتِ نَمَايْمُ.

پس به ملائکه می‌فرماید: ای ملائکه من نگاه کنید به بنده من که در این شب تاریک به خلوتگاه ما آمده در حالی که باطل پیشگان بی‌خیال‌اند و غفلت‌زدگان در خواب، شاهد باشید که من او را آمرزیدم...»^۱

و نیز آن حضرت فرمود:

«أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ»^۲

«افراد شریف و بزرگوار از امت من آنانند که حامل قرآنند و در شب به راز و نیاز می‌پردازند.»



۱. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۳۷

۲. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۳۸

رسول مکرم اسلام، خود، چنین بود و می فرمود:

«دو رکعت نماز در دل شب محبوب تر است نزد من از دنیا و آنچه در دنیاست.»^۱

و نیز آن حضرت فرمود:

«مادر حضرت سلیمان به آن حضرت فرمود: ای پسرکم! مبادا زیاد بخوابی که کثرت خواب در شب انسان را در قیامت به فقر و ناداری دچار می سازد.»^۲

خانه دل را به نور معرفت تعمیر کن

تا ننگجد غیر فکرش، چاره ای تدبیر کن

از تعلق پاک کن خاطر به راه وصل دوست

در دل شبها چو آه خستگان شبگیر کن

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند عزوجل در هنگام مناجات حضرت موسی علیه السلام فرمود: ای پسر عمران! دروغ می گوید کسی که گمان دارد دوستدار من است و چون شب شد از من غافل است و می خوابد؛ آیا هر دوستی دوستدار خلوت با دوستش نیست؟! آری من به دوستانم آگاهم، آنان شبها از تصور عقوبت من نمی خوابند و با من آنچنان سخن می گویند که گوئی در حضور من اند و مرا می بینند.

ای پسر عمران! از قلبت خشوع، و از بدنت خضوع، و از

۱. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۴۸

۲. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۲



چشم اشک در تاریکی شب را برای من بیاور و مرا
بخوان که مرا نزدیک و اجابت کننده خواهی یافت.»^۱

و نیز آن حضرت فرمود:

«نماز شب روی انسان را نیکو و اخلاق او را خوش و
بوی بدنش را معطر و رزقش را فراوان می‌کند و
قرص‌هایش را ادا و غمش را زایل و چشمش را جلا
می‌دهد.»^۲

و همچنین فرمود:

«خانه‌هایی که در آن نماز شب خوانده می‌شود و قرآن
تلاوت می‌گردد برای اهل آسمان می‌درخشد همچنان
که کواکب برای اهل زمین درخشش دارند.»^۳

خداوند عزوجل به حضرت موسی علیه السلام وحی
فرمود که:

«در ظلمت شب از جای برخیز تا من قبرت را باغی از
باغ‌های بهشت قرار دهم.»^۴

رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

«چون بنده‌ای از خواب لذیذش دست می‌کشد و برای
جلب رضایت پروردگار به نماز شب می‌ایستد خدای



۱. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۳۹

۲. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۳

۳. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۴

۴. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۵

متعال به ملائکه خود مباحثات کرده می‌فرماید:

آیا نمی‌بینید بنده مرا که از رختخواب خود بلند شده و
نمازی را که من بر او واجب نکرده‌ام اقامه می‌کند؟ شاهد
باشید که من او را بخشیدم.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ حَيْفَهُ بِاللَّيْلِ بَطَّالٌ بِالنَّهَارِ.»^۲

«مبغوض‌ترین مردمان نزد خداوند کسی است که در
شب همچون مرداری بیفتد و در روز به کارهای باطل و
بیهوده سرگرم باشد.»

روایات نماز شب بسیار فراوان است و به آن تأکید زیادی
شده. آیا حیف نیست که ما انسان‌های گرسنه از این سفره
پر نعمت الهی استفاده نکنیم؟! آیا وقت آن نرسیده که از
شب‌نشینی‌های مبتذل و سخنان بیهوده بکاهیم و کمی از
توان خود را برای بیداری شب و مناجات با پروردگار
جهانیان و سلطان روز قیامت بگذاریم؟! آری خداوند هر
شب ما را به میهمانی خود دعوت می‌کند، اما مستی و
بیهوشی آنچنان ما را فرا گرفته و محبت دنیا ما را کور و کَر
کرده که دیگر ندای الهی را نمی‌شنویم.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در حدیثی
می‌فرماید:

۱. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۶

۲. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۸



«خداوند تبارک و تعالی هر شب فرشته‌ای را به آسمان دنیا می‌فرستد، شب‌ها در ثلث آخر و شب‌های جمعه از اول شب. پس آن فرشته به امر خداوند ندا می‌دهد: آیا سائلی هست که او را عطائی کنم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست تا او را ببخشایم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست که او را مورد عفو قرار دهم؟ ای طالب و ای جوینده خیر! بیا و به من رو کن، و ای جوینده شر! کوتاه کن و از شرّ و بدی‌ات دست بردار. پس این ندا را تا صبح ادامه می‌دهد و چون صبح طلوع شد به ملکوت آسمان برمی‌گردد...»^۱

علل محرومیت از نماز شب

راستی چرا غالب مردم از این همه موهبت و نعمت محرومند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام به مردی که این سؤال را از آن حضرت کرد فرمود:

«أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ»^۲

«تو مردی هستی که گناهانت، تو را زنجیر کرده و بسته است.»

بله! آن کس که در روز، گناه کرد و از خدا دور شد دیگر حال مناجات خدا از او گرفته می‌شود. خوشا به حال آنان که در روز، به یاد شب‌اند و در شب به یاد روز پر آشوب قیامت.



۱. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۶۳

۲. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۴۶

امام باقر علیه السلام فرمود:

«برای شب شیطانی است به نام «زهاء» که چون بنده‌ای از خواب بیدار می‌شود و اراده می‌کند برای نماز برخیزد می‌گوید: هنوز وقتش نرسیده - کمی بخواب - پس آن بنده می‌خوابد و دوباره بیدار می‌شود باز می‌گوید: هنوز وقت داری و بالأخره همین طور او را به خواب دعوت می‌کند تا صبح می‌شود. پس در گوش او بول می‌کند و دُم خود را از روی فخر و مباهات تکان می‌دهد و فریادکنان و خوشحال به سرعت دور می‌شود.»^۱

پس ای برادر و ای خواهر مسلمان! گول شیطان را مخور و سخن انسان‌های شیطان صفت را به دور بیانداز و خود را برای نماز شب آماده کن که بزرگان اهل معرفت فرموده‌اند: ما سراغ نداریم کسی به جایی رسیده باشد بدون نماز شب. یکی از دوستان، شبی در منزل ما میهمان بود، نیمه‌های شب برخاست و به نماز ایستاد، نماز با شور و ذوق، نمازی پر از عشق و سوز، در میانه نماز کلماتی را تکرار می‌کرد پس گفت «الله الصّمد»، «الله الصّمد»، و این آیه شریفه را آن قدر تکرار کرد که از خود بیخود شد، صورتش را روی دست‌هایش گذاشت و می‌گفت: «الله الصّمد»، کم‌کم به حال رکوع متمایل شد و در همان حال جذبه و شور روی زمین افتاد و با تکرار الله الصّمد روی زمین می‌غلطید تا بالأخره



پس از دقائقی گوئی به خود آمد و بلند شد و بقیه سوره اش را خواند و نمازش را تمام کرد.
بله، عاشقان آن یار حقیقی چنین اند و از مناجات با او لذت می برند.

خداوندا! لذت مناجات خودت را به ما بچشان و ما را از شراب طهور عشقت سرمست و مدهوش کن تا روزها به یاد تو باشیم و شبها به شوق گفتگویت سر از پا نشناسیم.
آمین رب العالمین.

نوافل یومیّه

دیگر از نمازهای مستحبی بسیار مهم نافله های شبانه روزی است که همراه با نمازهای واجب خوانده می شود و آنها عبارت است از:

دو رکعت نماز نافله صبح، قبل از نماز صبح، و هشت رکعت نافله ظهر، قبل از نماز ظهر، و هشت رکعت نافله عصر، قبل از نماز عصر، و چهار رکعت نافله مغرب، بعد از نماز مغرب، و دو رکعت نافله عشاء که استثناءً به طور نشسته بعد از نماز عشا خوانده می شود، و لذا در جمع رکعات، نافله عشاء یک رکعت محسوب می گردد و با این حساب جمع نوافل یومیّه ۲۳ رکعت که با ۱۱ رکعت نافله شب و ۱۷ رکعت نمازهای واجب مجموعاً می شود ۵۱ رکعت.



حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

«علامت مؤمن - یعنی شیعهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام - پنج چیز است: خواندن ۵۱ رکعت نماز در شبانه روز، و زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین، و انگشتر در دست راست نمودن، و جبین را به خاک سائیدن، و بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم را در نمازها بلند گفتن.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«از نماز یک بندهٔ نمازگزار - ممکن است - نصف آن یا ثلث یا ربع یا خمس آن بالا رود - و قبول گردد - زیرا فقط همان مقدار از نماز که با حضور قلب خوانده شود بالا می‌رود و ما به نوافل امر شده‌ایم تا نواقصی که در نمازهای واجب هست با نوافل، کامل و تمام گردد.»^۲

رسول مکرم اسلام که درود بی پایان خداوند بر او و بر اهل بیتش باد در روایتی معروف به «قرب النوافل» فرمود:

«خدای تعالی می‌فرماید: بندگان مرا هیچ وسیله‌ای برای محبوبیت در نزد من، بهتر از انجام واجبات نیست و یک بنده می‌تواند با انجام نوافل آن قدر به من محبت ورزد تا من هم او را دوست داشته باشم پس چون او را دوست بدارم، خودم گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و زبانش می‌شوم که با آن

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۲۹

۲. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۲۸



سخن می‌گویند، و دستش می‌شوم که با آن اشیاء را می‌گیرد، و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود - یعنی تمام اعضاء و جوارح او خدائی و به فرمان حق می‌گردد - پس چون دعا کند او را استجابت می‌کنم و چون چیزی بخواهد به او عطا می‌نمایم...»^۱

أمیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«قلب‌ها گاهی اقبال می‌کنند و گاهی پشت می‌نمایند - یعنی گاهی مایل به انجام کارهای نیک می‌شوند و گاهی بی‌رغبت می‌گردند - پس هرگاه به خوبی‌ها اقبال کرد بر او نوافل را بار کنید؛ اما چون بی‌میل شد فقط به انجام واجبات اکتفاء نمائید.»^۲

در انجام نوافل یومیّه آن قدر سفارش شده که حتی اگر قضا شد مستحبّ است قضای آن را بجا آورد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وقتی بنده‌ای نوافل خود را قضا می‌کند خداوند به ملائکه‌اش می‌فرماید:

«نگاه کنید به این بنده من که آنچه را که من بر او واجب نکرده‌ام قضا می‌کند.»

و با این سخن ملائکه را به تعجب وامی‌دارد.»^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۳۱

۲. نهج البلاغه؛ صبحی صالح، حکمت ۳۱۲

۳. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۴۳

نمازهای مستحبی * ۱۲۱

حضرت ابوالحسن امام هادی علیه السلام می فرماید:

«صَلَاةُ النَّوَافِلِ قُرْبَانٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ»^۱

«نمازهای نافله وسیله تقرب هر مؤمنی به سوی خداوند

است.»



روزه

روزه

مقدمه

خداوند عزّوجلّ در سوره بقره (۲) آیه ۱۸۳ می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید واجب شد بر شما روزه
همان‌گونه که بر امت‌های پیش از شما واجب شده بود،
باشد که پرهیزگار شوید.»

تمام دستورات شرع مقدّس اسلام پرتحرک و سازنده
است و ما این روزها شاهد عشق و شور دگری هستیم چه
اینکه، ماه مبارک رمضان فرارسیده و مسلمانان زندگی تازه و
نویی در پیش گرفته‌اند مساجد هنگام ظهر و اوّل غروب از
روزه‌داران موج می‌زند و صداها خطیب و دانشمند، مسائل
اجتماعی و شرعی را برای مردم بازگو می‌کنند، شکم‌ها از



غذا خالی شده و قلب‌ها از نور خدا صفا گرفته، کمک‌ها و خیرات بر مستمندان در این ماه شریف، افزون و گناه و معصیت در بین مردم کمتر گشته و شب‌نشینی‌های مبتذل و آلوده غالباً به جلسات قرائت قرآن و موعظه تبدیل یافته، رنگ خدائی بر چهره اجتماع پرتو افکنده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون به هلال ماه مبارک رمضان می‌نگریست روی خود را به قبله می‌کرد و عرضه می‌داشت:

«اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ...»

«بار خدایا! این ماه را با امنیّت و ایمان، و سلامتی و اسلام بر ما وارد کن و در آن عافیت و روزی واسع مقرّر فرما تا به تلاوت قرآن بنشینیم و به نماز و روزه قیام کنیم...»

سپس روی مبارک به مردم می‌کردند و می‌فرمودند:

«...ای جماعت مسلمین! چون ماه رمضان می‌رسد یاران شیطان به زنجیر بسته می‌شوند و درهای آسمان و بهشت و رحمت باز می‌گردد...»^۱

ماه مبارک رمضان موهبتی است الهی و نبی مکرم اسلام از آن برای تهییج مردم به تقوی و پرهیزگاری استفاده فراوانی می‌کردند.



فضیلت ماه مبارک رمضان

در فضائل و خصوصیات ماه رمضان روایت مفصّلی از
أمیرالمؤمنین علیه السّلام نقل شده که رسول خدا صلّی الله
علیه و آله و سلّم - در روزی از روزهای آخر ماه شعبان که
شاید روز جمعه بوده - مردم را مورد خطاب قرار داده و
فرمودند:

«ای مردم! ماه خدا به شما رو کرده است با برکت و
رحمت و مغفرت، و آن نزد خدا بهترین ماههاست و
روزهایش بهترین روزها و شبهایش نیکوترین شبها
و ساعاتش افضل ساعات است.

رمضان، ماهی است که در آن به ضیافت و مهمانی
خداوند دعوت شده‌اید و از اهل کرامت خدا قرار
گرفته‌اید. نفس‌های شما در این ماه تسبیح و خوابتان
عبادت و اعمالتان مقبول و دعایتان مستجاب است، پس
پروردگارتان را با نیت‌های راست و دل‌های پاک بخوانید
تا شما را به انجام روزه و تلاوت قرآن توفیق دهد که



بدبخت کسی است که در این ماه عظیم از غفران خداوند محروم گردد.

- ای مردم! - چون گرسنه و تشنه شدید، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد آورید و بر فقیران و محتاجان تصدق کنید، بزرگان خود را بزرگ بشمارید و بر کوچکان رحم نمائید و به ارحام رسیدگی کنید، زبان‌هایتان را مواظبت کنید و چشم‌هایتان را از حرام بیوشانید و گوش‌هایتان را از هر چه نارواست ببندید. بر یتیمان مهربانی کنید تا به یتیمان شما مهربانی کنند و از گناهانتان توبه کنید.

و در اوقات نمازها، دست به دعا بردارید که آن بهترین ساعات است و خدای عزوجل در آن مواقع نظر رحمت به بندگانش می‌افکند و مناجات و ندایشان را پاسخ داده خواسته‌های آنان را برآورده می‌فرماید.

ای مردم! شما در گرو اعمال خویش اید پس خود را با استغفار آزاد کنید و پشت خود را با سجده‌های طولانی از بار گناهان سبک گردانید و بدانید که خدای بلند مرتبه قسم یاد کرده که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و در روز رستاخیز به آتش خود نترساند.

ای مردم! هر کس مؤمن روزه‌داری را در این ماه افطار دهد در نزد خداوند ثواب آزاد کردن بنده‌ای برای اوست و خداوند گناهان گذشته‌اش را خواهد بخشید.

گفتند: یا رسول الله همه ما قادر به افطار دادن نیستیم!



رسول خدا فرمود:

از آتش بپرهیزید گرچه با نیمهٔ خرمائی باشد، از آتش بپرهیزید گرچه به شربتی از آب باشد.

ای مردم! هر کس در این ماه اخلاق خود را نیکو گرداند از صراط - به راحتی - عبور کند روزی که قدم‌ها بلغزد و هر کس در این ماه کار را بر زیردستان خود سبک گرداند، خداوند حساب او را آسان فرماید و هر کس شرّ خود را از دیگران باز دارد، خداوند غضبش را از او بر می‌دارد و هر کس یتیمی را گرامی بدارد، خداوند در قیامت او را اکرام فرماید و هر کس در این ماه صلهٔ رحمی نماید، خداوند او را به رحمتش واصل گرداند و هر کس قطع رحم کند، خداوند هم رحمت خود را از او قطع نماید و هر کس نماز مستحبی بخواند، خداوند برای او برائت از دوزخ را مقرر فرماید و هر کس در این ماه عمل واجبی را انجام دهد، برابر با هفتاد عمل واجب در ماه‌های دیگر است و هر کس فراوان بر من صلوات بفرستد خداوند میزان عملش را سنگین فرماید در روزی که میزان‌ها سبک است.

«وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ.»

و هر کس در این ماه آیه‌ای از قرآن تلاوت کند برای اوست مانند پاداش کسی که در غیر این ماه یک ختم قرآن کند.



ای مردم! در این ماه درهای بهشت باز است، پس، از پروردگارتان بخواهید آن را بر شما نبندد و نیز درهای دوزخ بر شما بسته است، پس بخواهید آن را بر شما باز نکند و شیاطین در غل و زنجیرند، از پروردگار خود مسئلت دارید که آنان را بر شما مسلط نگرداند.»

أمیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

من در این هنگام برخاستم و گفتم: ای رسول خدا! چه عملی در این ماه بهترین اعمال است؟ فرمودند:

«الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.»

«ورع و پرهیز از گناهان.»

رسول خدا در این حال گریستند. پرسیدم: چرا گریه می کنید؟! رسول خدا فرمود:

از اینکه خون تو را در این ماه حلال می شمردند. گویا می بینم تو را که به نماز مشغولی و بدبخت ترین مردمان که همدوش با پی کننده ناقه ثمود است بر می جهد و آنچنان ضربه ای بر فرق تو وارد می سازد که محاسنت به خون خضاب می گردد.

أمیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

پس من گفتم:

یا رسول الله! آیا در آن هنگام دین من سالم است؟

آن حضرت فرمود:

بله، دین تو سالم است.



یا علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته و هر کس کینه تو را داشته باشد، به من کینه‌توزی کرده و هر کس به تو ناسزا گوید، به من ناسزا گفته چون تو نسبت به من همچون جان منی و روح تو روح من و طینت و نهاد تو طینت من است.

خداوند تبارک و تعالی من و تو را آفرید و هر دو را برگزید مرا برای نبوت و تو را برای امامت و هر کس امامت تو را انکار کند، پس به تحقیق نبوت مرا منکر شده است.

یا علی! تو وصی من و پدر فرزندان من و شوهر دختر من و خلیفه من بر امت من هستی در هنگام حیات من و بعد از مرگ من.

امر تو امر من و نهی تو نهی من است؛ به آن کس که مرا به نبوت مبعوث فرموده و مرا بهترین خلایق قرار داده قسم می‌خورم که تو حجت خدا بر خلق او و امین بر سیر او و خلیفه بر بندگانش هستی.»^۱



فضیلت روزه

برای روزه ماه رمضان و نیز روزه‌های مستحبی ثواب‌ها و نتایج بسیار ارزشمندی در روایات اهل بیت علیهم السلام بیان شده است که به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم.
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«شخص روزه‌دار در حال عبادت است گرچه در بستر خوابیده باشد البته تا آن هنگام که از مسلمانی غیبت نکند.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس در روز گرمی روزه بدارد و از شدت گرما تشنه شود خداوند متعال هزار فرشته بر او بگمارد تا صورت او را نوازش داده و به او بشارت دهند تا افطار کند؛ پس خداوند می‌فرماید:

- ای بنده من! - چه نیکوست بو و نسیم خوش تو.



ای ملائکه من! شاهد باشید که من او را آمرزیدم.»^۱

و نیز آن حضرت فرمود:

«بوی دهان روزه‌دار در نزد خداوند از مُشک بهتر

است.»^۲

أمیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«هر کس به علّت روزه از غذای مورد اشتهاش دست

بکشد بر خداوند است که او را از طعام و شراب بهشت

عطا فرماید.»^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۴۷

۲. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۳

۳. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۳۱

روزه‌های مستحب

روزه از بهترین اعمال و خالص‌ترین عباداتی است که انسان می‌تواند به راحتی آن را برای خدا انجام دهد و هیچ کس هم مطلع نگردد، چه اینکه بسیاری از مستحبات، به گونه‌ای است که غالباً مردم از آن اطلاع پیدا می‌کنند.

مثلاً کسی ساختمان‌ی برای مدرسه می‌سازد یا کمکی به امور خیریه می‌نماید، و نیز کسی که نمازهای مستحبی می‌خواند یا به طور مکرر به حج می‌رود، حداقل، اعمال استجابی او به گوش اطرافیانش می‌رسد و شیطان ملعون هم غالباً ریا و خودنمایی را با آنها همراه می‌کند تا خلوص و پاکی عمل را آلوده نماید.

اما روزه این طور نیست زیرا روزه در واقع یک «تَرَك» است.

یعنی برای خدا «نخوردن»، «نیاشامیدن»، «مباشرت نکردن»، «به خدا و رسول نسبت دروغ ندادن» و امثال آن، لذا



کسی که روزه است تا وقتی خودش اظهار نکند، کسی از قصد او مطلع نمی‌شود و اخلاصش همچنان محفوظ می‌ماند.

روزه گرفتن در همهٔ ایام سال به طور عامّ مستحبّ است؛ جز بعضی از روزها، مانند روز عید فطر و عید قربان که روزه آن حرام، و روز عاشورا که روزه‌اش مکروه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس یک روز برای تحصیل ثواب الهی، روزه مستحبّی بگیرد مغفرت او برای خداوند واجب می‌گردد.»^۱

شارع مقدّس، روزهایی را هم به طور خاصّ مشخص کرده و برای روزه گرفتن در آنها، ثواب‌های فراوانی بیان فرموده است؛ از جمله روزه سه روز در هر ماه.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در اوائل بعثت، بسیار روزه می‌گرفتند به طوری که مسلمان‌ها می‌گفتند دیگر حضرت همیشه روزه می‌گیرند.

بعد از مدّتی حضرت، دیگر روزه مستحبّی نگرفتند و نیز بعد از چندی روزه منسوب به حضرت داود را می‌گرفتند و آن یک روز در میان بود. اما در اواخر عمر، آن حضرت سه روز در هر ماه روزه می‌گرفتند که آن معادل است با



روزه همه عمر، و کینه و وسوسه قلب را از بین می‌برد.»
راوی می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: آن سه روز کدام
است؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر و چهارشنبه اول از دهه
دوم در هر ماه.»

پرسیدم: این روزها چه خصوصیتی دارد؟
حضرت فرمود:

«عذاب امت‌های سابق در این روزها بوده و این روزهای
ترسناکی است.»^۱

دیگر از روزهای مستحب روزه ماه رجب است به
خصوص روز اول و بیست و هفتم آن.
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ.»^۲

«هر کس روز اول رجب را روزه بدارد بهشت بر او واجب
گردد.»

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هر کس روز بیست و هفتم رجب - روز بعثت رسول الله
- را روزه بگیرد برای او اجر روزه هفتاد سال نوشته
شود.»^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۰۱

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۳

۳. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۴

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

«هر کس روز اول رجب را روزه بگیرد، خداوند در روز قیامت از او راضی می‌گردد.

و هر کس دو روز از رجب روزه بگیرد، خداوند از او راضی گردد.

و هر کس سه روز از رجب روزه بگیرد، خداوند از او راضی شود و او را راضی کند و دشمنانش را هم از او راضی گرداند.

و هر کس هفت روز از رجب روزه بگیرد درهای هفت آسمان بر او گشاده گردد تا روحش در موقع مرگ به ملکوت اعلیٰ پیوندد.

و هر کس هشت روز از رجب روزه بگیرد، هشت درب بهشت بر او باز شود.

و هر کس پانزده روز از رجب روزه بگیرد، خداوند تمام حاجات او را بر می‌آورد مگر اینکه خواسته‌اش در گناه و قطع رحم باشد.

و هر کس تمام ماه رجب را روزه بدارد از تمام گناهانش خارج می‌شود مانند روزی که از مادر متولد شده است و از آتش آزاد می‌گردد و با برگزیدگان نیکوکار به بهشت داخل می‌شود.»^۱

و دیگر از روزه‌های مستحبی روزه ماه شعبان است به خصوص روز سوم که در آن، میلاد حضرت اباعبدالله



الحسین علیه السّلام واقع شده و نیز سه روز آخر ماه.

رسول خدا فرمودند:

«شعبان ماه من است و رمضان ماه خدای عزوجل.

پس هر کس یک روز در شعبان روزه بدارد من شفیع او

در روز قیامت خواهم بود و هر کس دو روزش را روزه

بگیرد گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌گردد و هر کس سه

روز از شعبان روزه بگیرد به او می‌گویند: عمل خود را از

سر بگیر.»^۱

یعنی دیگر هیچ گناهی در نامه عمل تو نیست.

و روزه مستحبی دیگر روزه بیست و پنجم ذی‌قعدة یعنی

روز «دَحْوُ الْأَرْضِ» است. و دیگر روز هجدهم ذیحجه که عید

سعید غدیر و بزرگترین عید مسلمین است.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

«مسلمانان چهار عید دارند:

عید فطر، عید قربان، جمعه و عید غدیر؛ که بزرگترین

و شریف‌ترین آنها همان روز هجدهم ذیحجه یعنی عید

غدیر است، روزی که رسول خدا امیرالمؤمنین را برای

مردم به امامت و ولایت نصب فرمود...

بر شماست که آن روز را از روی سپاس و حمد، روزه

بگیرید... که روزه‌اش از عمل نیک در شصت سال بهتر

است.»^۲



۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۶۸

۲. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۱۱

روزه‌های مستحبّ * ۱۳۹

و دیگر روزه هفدهم ربیع الاول است؛ روزی که وجود مقدّس حضرت رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم پا به عرصه دنیا گذارده‌اند.

و دیگر روزه نُه روز اوّل از ذیحجه که بسیار تأکید شده، اما روز دهم روز عید قربان است که روزه‌اش حرام می‌باشد. حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام فرمودند:

«هر کس روز اوّل ذیحجه را روزه بگیرد ثواب هشتاد ماه روزه دارد. هر کس نه روز اوّلش را روزه بگیرد برای او ثواب روزه تمام عمر نوشته شود.»^۱



اثرات روزه

رسول مکرّم اسلام - که درود خدا بر او باد - فرمود:

«لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَجْسَادِ الصِّيَامُ»^۱

«برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن روزه است.»

«زکات» به معنای «نمّو و پاکیزگی» آمده یعنی همان طور که زکات مال موجب از دیاد و پاک شدن آن می‌گردد، روزه هم جسم انسان را رشد داده از امراض و زوائدش پاکیزه می‌کند. لذا در حدیث دیگری از آن حضرت است که فرمود:

«صُومُوا تَصِحُّوا»^۲

«روزه بگیرید تا سالم شوید.»

و نیز آن حضرت فرمود:



۱. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۵

۲. همان.

«روزه روی شیطان را سیاه می‌کند.»^۱

امام أبو الحسن علیه السلام فرمود:

«برای روزه‌دار در وقت افطار دعائی است که ردّ

نمی‌گردد.»^۲

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

«اگر کسی بپرسد: چرا روزه واجب شده؟!»

در جوابش گفته می‌شود:

تا رنج گرسنگی و تشنگی را بچشد و به یاد نیازمندی‌اش

در آخرت بیفتد و تا اینکه روزه‌دار، خود را در برابر

خداوند، خاشع و حقیر و مسکین ببیند... و از فقر و

مسکنت محتاجان با خیر گردد. پس آنچه از واجبات در

اموال به عهده اوست بپردازد...»^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۵

۲. همان.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۶۹

آداب روزه‌داران

مهمترین قسمتی که در مورد روزه باید در نظر داشت «حقیقت و روح روزه» است که غالباً مردم از آن غافلند و لذا چندان نتیجه‌ای هم از روزه خود نمی‌برند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمَأُ،
وَ كَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ وَالْعَنَاءُ؛
حَبْدًا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَإِفْطَارُهُمْ»^۱

«چه بسیار روزه‌داری که از روزه‌اش بهره‌ای نصیب او نمی‌گردد جز گرسنگی و تشنگی، و چه بسیار شب زنده‌داری که برای او نیست جز بیخوابی و خستگی، خوشا بر خواب زیرکان و افطار آنان.»

نتیجه آنکه روزه‌دار باید بداند روزه تنها به معنای



نخوردن و نیاشامیدن نیست بلکه همراه آن باید آداب و شرایط فراوانی را بجا آورد.

امام صادق علیه السلام در حدیث مفصّلی می‌فرماید:

«و چون روزه گرفتی پس باید گوش و چشمت هم از حرام، روزه‌دار باشد و قلب و جمیع اعضایت از هر زشتی دور گردد پس بیهوده‌گوئی را رها کن و از آزار زیردستان کناره بگیرد و باید وقار و آرامش روزه بر چهره تو نمایان باشد، تا آنجا که می‌توانی لب از فضول کلام ببند و جز نام خدا و یاد او چیزی مگو و روزی را که روزه داری، همانند روزهای دیگر قرار مده و از مباشرت و بوسه و خنده‌های سنگین دوری کن که خداوند از آنها نفرت دارد.»^۱

و در روایت دیگری می‌فرماید:

«روزه تنها از خوردنی و آشامیدنی نیست... بلکه چون روزه گرفتید، زبان خود را از دروغ باز دارید و چشم خود را بپوشانید و با یکدیگر نزاع نکنید و حسد نورزید و غیبت نکنید و از جدال و دروغ و شهوترانی و درگیری و خشم دوری کنید و به یکدیگر ناسزا و فحش ندهید و موجب ضعف و سستی دیگران نگردید و از مجادله و اذیت و ظلم و نسبت‌های ناروا و موجبات دلتنگی و ملالت دست بردارید و از یاد خدا و نماز غافل مگردید. ای روزه‌داران! بر سکوت و کم‌گوئی و آرامش و صبر و



راستی ملازم باشید و از اهل شرّ و سخن ظالمانه و دروغ و افترا و بهتان و دشمنی و بدگمانی و غیبت و سخن چینی دوری کنید، و با انتظار آینده خود و وعده‌های خدای تعالی و توشه‌گیری برای لقاء او، به آخرت توجّه کنید.

و بر شما باد سکینه و وقار و خشوع و خضوع، و همچون بنده‌ای ترسان، بارِ مذلت به نزد خداوند به دوش برکشید و در عین انجام اعمال نیکو، ترسان بوده و همراه امید، از او خوف داشته باشید و با قدمی لرزان به سویش رو کنید در حالی که قلب خود را از هر عیبی و باطن خود را از هر ناپاکی و جسم را از هر پلیدی، طاهر کرده باشید و از هر کس و هر چیز جز خدا، ساحت دل را آزاد کنید و با سرپرست گرفتن خداوند، به حفظ و حراست خود از جمیع جهات بکوشید تا در نهان و آشکار از او ترس و پرهیز داشته باشید.

در ایام روزه‌داری، جان و حقیقت خود را به خداوند ببخشید و قلب خود را برای او فارغ کرده با تمام وجود در خدمتش کمر ببندید.

و چون چنین کردی حقیقتاً روزه داشته‌ای و فرمان الهی را گردن نهاده‌ای، پس هر چه از این شرایط کم گذاری از روزهات کم می‌شود.

پدرم فرمود:

زنی روزه‌دار نزد رسول خدا به کنیزش ناسزا گفت،



حضرت دستور داد تا غذائی آوردند و فرمود: بخور. آن زن گفت: من روزه دارم!

حضرت فرمود: چگونه روزه داری در حالی که کنیزت را ناسزا گفته‌ای؟! روزه تنها نخوردن و نیاشامیدن نیست. بلکه خداوند روزه را حجاب و مانعی از اعمال و گفتار زشت قرار داده پس چه بسیار کم‌اند روزه‌داران واقعی و چه بسیار فراوانند آنان که تنها گرسنگی می‌کشند.^۱

ملاحظه می‌کنید در این حدیث شریف چه شرایط سنگینی برای روزه‌دار مقرر شده و واقعاً اگر کسی چنین روزه‌ای بگیرد تمام شرایش و جود و اخلاقی‌اش تصحیح می‌گردد و با ادامه آن در یک ماه، انسانی ساخته و پرداخته، و پاک و بی‌عیب می‌شود. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جابر بن عبدالله فرمود:

«ای جابر! این ماه رمضان است هر کس روزش را روزه بدارد و شبش را به عبادت برخیزد و شکم و شهوت خود را حفظ کند و زبان خویش - از حرام و بی‌هوده‌گوئی - باز دارد، با تمام شدن ماه از همه گناهانش خارج می‌گردد.

پس جابر گفت: یا رسول الله! چه حدیث خوبی! رسول خدا فرمود:

«أما چه شرایط سنگینی!!»^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۹۲

۲. بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۳۷۱



پس ای رفیق! سعی کن در این ماه که ماه خودسازی و پاکیزگی است خود را به آداب روزه‌داران واقعی مؤدب کنی و دل را به یاد خدا صفا و نور دهی تا آماده ضیافه‌الله گردی و از سفره رحمتش نصیب وافر برداری که خداوند، با وفا و مهربان است.

خفته دلا خیز که ماه خداست

ماه نزول برکات و دعاست

ماه صیام است و صلوات و سجود

ماه عطا، ماه کرم، ماه جود

این مه خودسازی و آگاهی است

غفلت ما موجب گمراهی است

سوی خدا دست دعائی بر آر

در ره اقلیم صفا پاگذار

حاصل اندوخته را سوختی

بهر سفر توشه نیندوختی

خیز و بدرگاه خدا توبه کن

از عمل زشت و خطا توبه کن

در سحر ماه مبارک بکوش

بر تن خود جامه تقوی بپوش

از در حق، عذر گناهان بخواه

جسم، رها ساز و همه جان بخواه

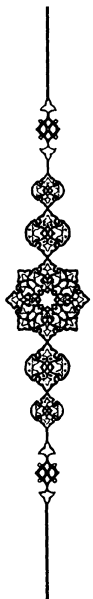


بار خدایا به مقام علیّ علیه السلام

هم به صلاة و به صیام علیّ علیه السلام

از کرمت جرم و گناهم ببخش

در کنف خویش پناهم ببخش



وداع با ماه رمضان

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«چون ماه رمضان داخل می شد حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام هیچ یک از بندگان و کنیزان خود را تأدیب نمی کرد بلکه خلافها و خطاهای آنان را با ذکر تاریخ ثبت می فرمود و چون شب آخر ماه فرا می رسید آنان را جمع می کرد و نامه گناهان یک ماهه را می آورد، پس می فرمود:

ای فلانی! آیا به یاد داری آن روز چنین و چنان کردی و من تو را عقوبتی نکردم؟ او می گفت: بله، ای پسر رسول خدا!

پس آن حضرت خطای همه را بازگو می کرد و آنها همگی بر گناه خود اعتراف می کردند. در این هنگام میان آنها می ایستاد و می فرمود:

ای غلامان من! صدای خود را بلند کنید و بگوئید:

ای علی بن الحسین همانگونه که تو کرده های ما را



شماره کرده‌ای، پروردگار هم اعمال تو را از کوچک و بزرگ ثبت کرده، پس از ما در گذر و ما را ببخشای همانگونه که از خداوند امید عفو و بخشش داری...
ای علیّ بن الحسین به یاد آور حال مسکنت خود را در پیشگاه پروردگارِ دادگری که ذّره‌ای ظلم به کسی روا نمی‌دارد...

حضرت سجّاد این کلمات را می‌فرمود و غلامان هم با او می‌گفتند و آن حضرت می‌گریست و زاری می‌کرد.
سپس می‌فرمود:

پروردگارا! تو فرمان داده‌ای که ما از آنان که بر ما ستم کرده‌اند بگذریم، خدایا ما گذشتیم تو هم از ما درگذر که تو بر عفو و اغماض سزاوارتر از مائی، و خدایا تو فرموده‌ای سائل را ردّ نکنیم ما هم اکنون سائل و مسکین درگاه توایم پس با کرم و احسانت بر ما مَنّت بگذار و ما را نا امید و محروم مفرما.

سپس آن حضرت به غلامان خود رو می‌کرد و می‌فرمود:

از همگی شما گذشتم آیا شما هم بدی تدبیر مرا می‌بخشید؟ آنها همگی صدا بلند می‌کردند که: ای آقای ما! تو هرگز بد نکردی و ما از تو گذشتیم.

حضرت می‌فرمود:

پس دست به دعا بردارید و بگوئید:

خدایا! تو هم از علیّ بن الحسین درگذر و همانگونه که ما را از قید بندگی آزاد کرد او را از آتش آزاد فرما.



پس آنان دعا می‌کردند و حضرت آمین می‌گفت و
می‌فرمود:

بروید از همه شما گذشتم و همگی شما را به امید عفو
خدا و رهایی‌ام از آتش، آزاد کردم.

پس آن حضرت در روز عید فطر به همگی آنان جوائزی
عطا می‌فرمود و از مال دنیا آن قدر به آنان می‌بخشید که
از کمک دیگران بی‌نیاز باشند و هیچ سالی نبود مگر
آنکه آن حضرت در آخرین شب ماه مبارک رمضان
نزدیک به بیست غلام و کنیز خود را اینگونه خطاب
می‌کرد و سپس آنان را آزاد می‌نمود و می‌فرمود:

خداوند در هر شب از ماه رمضان هفتاد هزار نفر از
آتش جهنم آزاد می‌کند، افرادی که تمامی آنان مستحق
آتش بوده‌اند و در شب آخر ماه به مقدار مجموع
شب‌های دیگر برائت آزادی از دوزخ می‌دهد و من
دوست دارم خداوند مرا آزاد کنندهٔ بندگان بداند تا مرا از
آتش، آزاد فرماید...»^۱

این است روش امامان بزرگوار و نتیجهٔ یک ماه روزه
واقعی که هر کس به آن دست زند آنچنان لذتی نصیبش
می‌شود که هرگز اهل دنیا به آن نخواهند رسید.

لذا وقتی ماه عزیز رمضان، به پایان می‌رسد امام سجّاد
علیه السّلام با آن وداع می‌فرمود، آن هم وداعی آتشین که
گوئی از بهترین دوست خود جدا می‌شدند، و در قسمتی از



آن وداع، به ماه رمضان خطاب کرده و می فرمود:

«... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ وَ يَا عِيدَ أَوْلِيَاءِهِ...»

«سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا و ای عید اولیاء خدا...»

سلام بر تو ای همشینی که چون بیائی احترامت فراوان

است و چون بروی فقدانت دردناک.

سلام بر تو ای همدمی که چون رو کنی، مایهٔ انس و شادی

گردی و چون سپری شوی وحشت و رنج می افزائی.

سلام بر تو که قلبها در ایام تو نرم و لطیف شد و گناهان

رو به کاهش گذاشت.

سلام بر تو که ما را در مبارزهٔ با شیطان یاری دادی و

راههای احسان را هموار ساختی...

سلام بر تو که چه زُداینده بودی گناهان را! و چه پوشنده

بودی انواع عیبها را!

سلام بر تو که چه طولانی و سنگین بودی بر مجرمان! و با

هیبت و بزرگی بودی در دل مؤمنان...

سلام بر تو که وداع با تو از روی خستگی نبوده، و ترک

روزهات از سرِ ملالت نیست...

سلام بر تو که دیروز، چه سخت بر تو دل بسته بودیم و

فردا چه بسیار به تو مشتاقیم!

سلام بر تو و بر فضیلتت که از آن محروم شدیم، و بر

برکاتت که از دست دادیم...»^۱



۱۵۲ * نماز و روزه راهی به سوی معبود

آفتابِ عظمت، ماه خدا ای رمضان!

زود رفتی و چه زود از بر ما ای رمضان!

خوان احسان خدا در تو، به عالم شد باز

رفتگی و بسته شد این خوان عطا ای رمضان!

چون کنی سال دگر جلوه خدا می داند

تا که مرده است و که زنده است ز ما ای رمضان

خداوندا! ما را از روزه داران واقعی ات قرار ده و به آداب

روزه حقیقی مؤدب فرما.

«آمین ربّ العالمین»

